

بِسْمِ اللَّهِ

مدیر مسئول: فاطمه تندگویان

سردبیر: کبری ساسانی

هیئت تحریریه:

رویامعصومی، الهام صادق زاده، عطیه نبی، شهرزاد محمدی

ویرستار: سهیلا امامی

مدیر هنری: رضا یعقوبی

طرح جلد: ثنا حسین پور

گرافیک و صفحه آرایی: مهدی افشاری

تصویر ساز: سمائه شریفی، زهرا یلمه علی آبادی

عکاسان: مهسا دولتی و محمد جهان بیگلری

با تشکر از جناب آقای محمد حسین متولی (مدیر مسئول) و همکارانشان در نشر الگو

تلفن های تماس با بنیاد: ۴۴۶۳۱۳۱۳ - ۴۴۶۶۱۵۱۵

روابط عمومی: داخلی ۲۴

نمابر: داخلی ۱۹

نشانی: جاده مخصوص کرج نرسیده به شهرک

اکباتان، کوی بیمه سوم، خیابان شهید

عظیمی، نبش کوچه مهرداد پلاک ۲

شماره حساب بانک پارسیان به نام

بنیاد نیکوکاری رایحه ۸۱۱۲۳۹۸۳

www.rayeheh.ir

info@rayeheh.ir



بنیاد نیکوکاری
رایحه

نیایش.....	۵
سخن نخست.....	۶
واحد خدمات مددکاری.....	۸
جشن حاصل تلاش ابتدایی.....	۱۰
جشن حاصل تلاش دبیرستان.....	۱۳
روز کودک.....	۱۶
آرزوی زیارت امام رضا (ع).....	۱۷
ویژه نامه قلعه گنج.....	۱۸
قلعه گنج کجاست.....	۱۹
گزارش فعالیت در قلعه گنج.....	۲۴
گزارش احداث مجتمع آموزشی.....	۳۱
گزارش تصویری پیشرفت پروژه مجتمع آموزشی.....	۴۱
کتابخانه قلعه گنج.....	۴۸
حکایت امید.....	۵۱
توسعه دامپروری.....	۵۳
جرقه روشنایی و امید.....	۵۴
کارآفرینی زنان کهنوج.....	۵۶
قلعه آرزوها.....	۵۸
برایت می نویسم.....	۵۹
گفتگو با مریم.....	۶۲
شرمین.....	۶۶
درخت آرزوها.....	۶۹
بابا لنگ دراز.....	۷۰



نیایش

اینک که تقویم روزگار دوباره از بهار آغاز می‌شود، دشت‌ها میزبان رودها و جوی‌های روان شده‌اند و درختان شکوفه بندان روح و جانی تازه گرفته‌اند و فرصتی دوباره یافته‌اند تا در طبیعت زیبا عرض اندامی کنند. حال که پرستوها و چکاوک‌ها به میمنت سبزی بهار، مژدگانی از باغ می‌گیرند؛ سپاسگزار تو هستم که به من نیز فرصتی دادی تا آغازی را شروع کنم که امید به فرداهایش، تا افق های بی نهایت در منزلگاه چشم هایم می‌نشیند.

امید دارم، امید به بخشایش که روح خسته ام، بارها بارانی لطف و محبت بی کران تو قرار گرفته است. امید دارم به مهربانی‌ات که هر آینه جهان را به مهر زینت داده است. امید دارم به بخشندگی و بزرگواری‌ات که هیچ بزرگی در دایره‌ی حضور تو قد علم نکند.

امید دارم به خَوَلِ حالنایی که به مددت، نفس سرکشم را به کرنش در برابر عظمت بی پایانت وادارد. امید دارم و می‌خوانم چون چهچه بلبلانی که از سر شوق و سرمستی مدح تو می‌خوانند.

می‌خوانم به نام آب که وام دار پاکی و زلالی توست. می‌خوانم به نام گل که جلوه‌ی عطرآگین حضور توست. می‌خوانم به نام باران که فرو فرستادی و در قطره قطره‌اش رسالتی است برای زندگانی و می‌خوانم به نام بهار که رویش دوباره‌ی عشق است. می‌خوانم به نام تمام نیکی‌ها که تو خود نیک‌ترین آنهايي.

وَلِلّٰهِ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوْهُ بِهَا

و خدا را نیکوترین نام‌هاست، بدانها خدا را بخوانید. (اعراف ۱۸۰)



سخن نخست

من کودکان همسایه را خوب می‌شناسم. عشق یک کودک به پیراهن سبز و کفش قرمز را درک می‌کنم. از شادی کودکان، هنگام تحویل سال لذت می‌برم. هنوز هم نگاه‌های خیره به سفره هفت سین را می‌فهمم. باید امروز کمی از شادی‌ام را به خانه‌ی همسایه ببرم؛ باید امروز مهربانی را به حیاط خانه‌ی همسایه تقدیم کنم.

حامیان ارجمند



۶

گاهی اوقات اوضاع و شرایط برای فرد غیر قابل پیش بینی و محکوم به گذران زندگی می‌باشد و زمانی متوجه افول شخصیتی و اجتماعی خود می‌شوند که وقت برای رسیدن به آرزوهای شخصی ندارند و فقط می‌توانند راه را برای فرزندان‌شان باز کنند تا آنها همانند خودشان قربانی حقارت روزگار نشوند و از تحصیل بی‌نصیب نباشند.

امروز روز آسمان است... روز پاکی است... روز زلالی است... روز بی‌کرانگی است... امروز بهشت را تقسیم می‌کنند. امروز شما نیکوکاران، خشت بر خشت، بهشت خود را استوار می‌سازید و امروز، روز **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ** است.

از نظر علمی "همدلی" یک عمل داوطلبانه حمایتی محسوب می‌شود که به فرد حمایت شونده کمک می‌کند تا این مرحله بحرانی را به خوبی پشت سر بگذارد. روان‌شناسان، مهربانی را ارزش نهادن به دیگران و یاری

به شما می‌اندیشم... به شما که این گونه به یاری نیازمندان می‌شتابید. به شما که سبب سبب محبت را از باغ همیشه سبز باور خود به ارمغان می‌آورید. به شما می‌اندیشم؛ به شما که عطوفت و مهربانی پروردگار در رگ‌هایتان جاریست...

ایجاد تغییرات روزافزون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، شیوه‌های زندگی را نیز دستخوش تغییر کرده‌است به طوری که بسیاری از افراد با وجود توانایی‌های مختلف در رویارویی با مسائل و مشکلات روزمره آسیب‌پذیر شده‌اند، اگر برنامه‌های پشتیبانی‌کننده نباشد که بتواند در شرایط بحرانی و آسیب‌پذیری، فرد را از فشارهای روحی _ روانی وارده برهاند، ممکن است او را در مراحل تصمیم‌گیری دچار اشتباهات غیرقابل جبران نماید.

گاهی اوقات مسبب این مشکلات خود فرد می‌باشد و

آنها بدون در نظر گرفتن منفعت شخصی تعریف کرده‌اند که بدون فوت وقت به یاری نیازمندان می‌شتابند و به آنها در حل مشکلاتشان یاری می‌رسانند. در پژوهش‌های متعدد به این نتیجه رسیده‌اند که افراد مهربان بیشتر به فعالیت‌های داوطلبانه می‌پردازند و انجام دادن کارهای خیرخواهانه که یکی از پیامدهای مهربانی است، سبب افزایش سلامت جسمانی و روانی افراد می‌شود. زمانی که با صرف وقت و انرژی به شخص دیگری کمک می‌کنیم، خود ما بیش از هر فرد دیگری احساس رضایت و خشنودی می‌کنیم.

فرصت برای ابراز عشق محیاست بسم ا...

برخیزیم، برخیزیم و دعا کنیم برای دل‌های بی‌قراری که عید امسال خود را شاد می‌خواهند؛ برای آنان که نگران طراوت کودکان معصوم خود هستند؛ آنان که چشم به یاری من و تو دارند. برخیزیم که امروز، روزِ «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ» است یعنی روز تلاش برای عدالت است.

تو از اهالی محله کرامتی... پیشه‌ات میهمان داری است... دلت لبریز از عشق و عاطفه است.

بارالها سپاسگزارم که در دستانم شوق نیکوکاری را نهادی و دلم را به نور عشق روشن ساختی... از تو ممنونم که روح مرا آسمانی قرار دادی و در وجودم دغدغه محرومان را آشیان کردی و مرا از بیماری عجب و ریا برهان و همواره در زمره نیکوکارانم قرار ده.

آمین یا رب العالمین

واحد خدمات مددکاری



بنیاد نیکوکاری رایحه در چارت سازمانی خود بخشی به نام واحد خدمات مددکاری قرارداد است که فعالیت‌های این واحد به شرح زیر است:

- ۱ - تشکیل پرونده جهت خانواده های مددجو جدید
- ۲ - دریافت مدارک لازم
- ۳ - تعیین شاخص خانواده جدید با موازین و استاندارد های از قبل تهیه شده
- ۴ - دریافت وثبت گزارشات مددکاران
- ۵ - تهیه گزارش سالانه
- ۶ - ارسال به حامیان بنیاد
- ۷ - تهیه وتنظیم گزارشات واطلاعات مورد نظرمديرعامل در قالب گزارش وضعیت شاخص ها هر ۶ ماه یک بار
- ۸ - درج گزارش وضعیت مسکن، سالی یک بار
- ۹ - درج گزارش تحصیل، سالی یک بار
- ۱۰ - درج گزارش بیماری و درمان خانواده ها حداقل سالی یک بار
- ۱۱ - گزارش خدمات ارائه شده به خانواده ها در طول سال
- ۱۲ - ثبت کلیه خدمات ارائه شده در پرونده ها به شکل مستمر
- ۱۳ - تهیه وتنظیم با شاخص های مورد نظر بنیاد
- ۱۴ - ارائه گزارش ترخیصی ها به حامی مورد نظر
- ۱۵ - دریافت درخواست ها از مددکاران وهمامهنگی با سایر واحدها جهت اجرای آنها
- ۱۶ - تحلیل آماری از وضعیت خانواده ها
- ۱۷ - تحلیل وضعیت شاخص های خانواده ها

۱۸ - به روز نگه داشتن اطلاعات خانواده ها در بانک اطلاعاتی
موسسه خیریه رایحه در راستای ارائه خدمات به نیازمندان و مدد رساندن به افراد، تمام توان خود را به یاری پروردگار
به کار گرفته است.



جشن حاصل تلاش ابتدایی‌ها

برمی‌دارند... در گوشه‌ای نشستم و با دقت محو تماشای آن جمع صمیمی شدم. بچه‌های رایحه یکی یکی آمدند، بهترین لباسا‌شونو پوشیدند و می‌شد از نگاهاشون فهمید که چقدر رایحه‌رو دوست دارن. بچه‌های خاصی هستن، تو چهره‌هاشون ادب و متانت و غرور موج می‌زنه، انگار اونا برای کمک به بزرگ‌ترا اومده بودن؛ شاید تک‌تکشون مشکلاتی دارن اما حضور در این جمع از بار مشکلاتشون کاسته... گرمای دلاشون تو فضا احساس می‌شه و در چشماشون شعله می‌کشه...

به بزرگ‌ترا نگاه کردم، از خودشون پذیرایی نمی‌کردن و از سهمشون به خاطر بچه‌ها می‌گذشتن تا بیشتر به بچه‌ها خوش بگذره و از هیچ وسیله‌ای برای شاد کردن بچه‌ها دریغ نکردند. جشن با موسیقی و مجری و نمایش پانتومیم عالی آغاز شده، در این برنامه نیز مانند برنامه‌های تلویزیونی، که مجری برنامه، خاله یا عموی بچه‌هاست، مجری با بچه‌ها بسیار مهربانست. با خود می‌اندیشم بچه‌ها این خاله و عموها را باور می‌کنن و به راستی چقدر این بچه‌ها صادق و آمادگی باور کردن دارن. چقدر لوح وجودشون پاکه و بزرگ‌ترا چقدر مسئول رفتارشون در قبال بچه‌ها هستن.

روز جشن تقدیر از دانش‌آموزان نخبه و ممتاز رایحه، همزمان با آشنایی و حضورم در این خیریه شد؛ گرچه به جشن دعوت شدم، اما خودمو برای دیدن فضایی غمگین آماده کرده بودم و به خودم سپردم که تو نگاهم احساس ترحم نباشه و مراقب برخوردم با بچه‌ها باشم، فکر می‌کردم با دیدن بچه‌های رایحه قلبم می‌شکنه و اشک می‌ریزم... چه تصور باطلی!

هنگام ورود اولین چیزی که به چشمم اومد، نام زیبایی حضرت فاطمه(س) بر تابلوی سردر مؤسسه خیریه بود؛ دست و پامو جمع کردم و با احترام وارد شدم. این احساسو دارم که دستی غیبی مرا به اینجا کشانده و هرگز در عمرم خبر از وجود چنین مکانی نداشتم و فکرشو نمی‌کردم که روزی به عنوان تصویرگر، بتوانم در چنین جایی مؤثر واقع شوم و کاری انجام بدم.

وارد ساختمان رایحه شدم، خانمایی با چهره‌های گشاده به پیشوازم اومدن، خیلی زود فهمیدم کجا هستم... شبیه این چهره‌ها را فقط در مکان‌هایی میشه دید که خبری از سود و زیان و نفع مالی در آن نیست؛ جاهایی که انسان‌ها در پی روزی معنوی هستن و لقمه ی نور

هنگام اجرای نمایش که یک نوع نمایش عروسکی سنتی ایرانیست دیدم که بچه‌ها چطور همراه پهلوان به جنگ دیو رفتن و با ضمیر پاکشون خیر و خوبیو یاری دادن؛ هنوز می‌شه نفس به نفس قصه‌های ایرانی داد و روح حقیقتو در دل بچه‌ها دمید، می‌توان با نقل شاهنامه و داستان دیو و پری و البته با موسیقی و الحان ایرانی، پشت بازی‌های کامپیوتری را به خاک مالید! و هنوز عشق و ایمان یک بازیگر به حرفش می‌تونه جمعی رو با قصه‌ای همراه کنه. برنامه‌ی دیگه‌ای که بچه‌ها بسیار دوستش دارن، مسابقه‌ایه که آقای منفرد اجرا می‌کنند؛ از بچه‌ها خواستن که گره‌ی را باز کنن و جایزه بگیرن....

در آخر مراسم به همه‌ی بچه‌ها جوایزی نقدی دادن، همه در روز جشن شادن؛ یه شادی ابدی که تنها در لحظات کودکانه جاریست....

بی‌شک بچه‌های رایحه برگزیده هستن. بچه‌هایی بااستعداد که در مشکلاتشون بی‌تقصیرن. وجود این بچه‌ها تنها سنگ محکی برای سنجیدن ارزش دل‌های دیگرانست. باور دارم که خداوند یاریگر و پروردگار همگانست، بچه‌ها در سایه‌ی عنایتش قد می‌کشن و رایحه نیز در این میان، واسطه‌ی باران رحمت خدا و دست حمایت‌گر الهیست.

شاد و سبکبال از رایحه بیرون آمدم، مثل کسی که معجزه‌ای را به چشم دیده باشه. برای رسیدن به منزل،

سوار مترو شدم؛ بعضی از بچه‌های رایحه با مادرانشون تو قطار بودن، اونارو از روی پاکت هدیه‌ای که با شادمانی در دست دارن، می‌شناسم.

از قطار پیاده شدم، اما هنوز فکر می‌کنم بچه‌های رایحه با دل‌هایی گرم و امیدوار، سوار قطاری هستن که هرگز در هیچ ایستگاهی توقف نخواهد کرد، قطاری از نور مهربانی که سوت می‌کشد و دل تاریکی‌های این شهر بزرگو می‌شکافه و پیش می‌ره....

به امید موفقیت‌های روز افزون تک تک‌شون.....

سمانه شریفی



گزارش تصویری جشن حاصل تلاش ابتدایی‌ها



جشن حاصل تلاش دبیرستان

بالآخره درهای سالن باز شد...

انتظار یک ساعته به پایان رسید...

مسئولین مراسم برای جشن مفصل آماده شدن...

سیل جمعیت بچه‌های قد و نیم قد که با لبخند زیبا روی لباسون به داخل آمدن...

بعد از کلی بگو و بخندای مجری، نوبت به اجرای یک کم‌دین و تقلید صداهای هنرپیشه‌ها و ورزشکاران رسید...

انصافاً تقلید صدای محمدرضا فروتن درست مثل خودش... صدای خنده‌های بچه‌ها به سالن حال و هوای دیگری داده، طوری که دلم می‌خواد همسنشون باشم و در کنارشون بلند بلند بخندم...

در میان این همه دانش‌آموز موفق، چندتایی هم هستند که به جز درس، در کارهای دیگه‌ام موفقند...

یکی قهرمان کاراته‌ی منطقس و دیگری در بسکتبال حرف اولو می‌زنه...

و یکیشون کارگردان فیلمای کوتاه؛ اتفاقاً یه کلیپم ازش پخش شده که بنظرم عالیه...

راستی جای شما خالی، آن روز در سالن باران هم آمد...

اما کسی خیس نشد...

بله، باران آمد...

آزاده زارعی عزیز بازیگر نقش باران، در سریال آوای باران به همراه مهران رنجبر بازیگر نقش کیانوش هم در این مراسم حضور دارند و بچه‌ها از دیدن این عزیزان به وجد آمدند...

نماینده‌ی علی کفاشیان (رئیس فدراسیون فوتبال) و محمدرضا ملامحمد (رئیس کمیته‌ی فرهنگی فدراسیون) و علی دوستی مهر (سرمربی تیم جوانان) هم حضور دارند و دو تن از بازیکنان تیم جوانان زیر ۱۹ سال، برای تجلیل از دانش‌آموزان برتر با خود پیراهن‌های یوز نشان تیم ملی و شال گردن پرچم سه رنگ و پر افتخار ایران عزیزمونو به ارمغان آوردند.

رئیس کمیته فرهنگی فدراسیون گفت: برگزاری چنین مراسمی باعث افزایش انگیزه در دانش‌آموزان شده تا گام‌هایشان را در راستای موفقیت‌های آموزشی و فرهنگی استوارتر کنند. دراین روزبیاد موندنی، رایحه مهمونای دیگه‌ای در زمینه هنر موسیقی سنتی وپاپ داره؛ محمد ابراهیم ذوالقدر و گروه موسیقی راز نو با اجرای محمد فرزین ذوالقدر و حسن علی نژاد (نوازنده سه تار) که دراصفهان، برای اولین بار اجرای کنسرت واقعه فین، روایت زندگی



امیر کبیرو داشتند، محفلمونو گرم کردند.
مسئول آموزش پرورش منطقه ۵ هم به جمعمون پیوستند
وحضورشون به دانش آموزان رایحه دلگرمی میده...
در این قسمت مجری اول این برنامه خداحافظی کردن من
برنامرو ادامه دادم...
اما بخش اصلی مراسم با یه موسیقی شاد و زیبا شروع شد...
بله، تقدیر از دانش آموزان موفق و برتر...
اسامی تک تک بچه هارو می خونم و اونارو به بالای صحنه دعوت
می کنم...
بچه ها از دل و جون برای هم دست میزنن و همدیگرو تشویق
می کنن...
و در نهایت نام آخرین دانش آموز...
و خداحافظی من...
این روز خوب هم به پایان رسید...
با یه حس عالی و اشتیاق مضاعف برای سال آینده و اجرای
مراسمی باشکوه تر از همیشه به خدای بزرگ میسپرمتون...

محسن زرین زاد

سلام عزیزانم

تمام وجودم را با عشق و محبت در روز میلاد پریم اهل بیت
بر شما بنیان قدیم و آرزوی همه دلتی برای بنیان نیایدی دارید
را نشسته و از خداوند متعال سلامی برای شما آرزو می‌کنم

آناه زاری

سید محمدحسین حسینی

میلاد پریم اهل بیت است
و شما بنیان دستان به حق است
بنیان نیایدی دارید
تمام هنر و زینت تقدیم به شما

عزیزان
بنیان نیایدی دارید

روز کودک



یک، دو، سه، حرکت...

زندگی آغاز شد...

امیدوارم نقشامونو خوب ایفا کنیم...

آدم خوب قصه‌ی زندگی باشیم...

همدلی کنیم، کمک کنیم...

و باور داشته باشیم که حتما نقش ما در این زندگی، خوشحال

کردن دلی و کمک به دیگرانه...

اگر امروز تو دستامون نعمتی داریم، برای همیشه...

یادمون نره که روزی این قصه تموم میشه و از مون می‌پرسن، حواست به دوستت بود؟ هم نوعت؟ به...

طوری زندگی کنیم که شرمنده نشیم...

خوشحالم

امروزو کنار عزیزایی میگذرونم که حواسشون هست... اونا تموم تلاششونو میکنن تا لبخندی از ته دل بر لب کودکان این

سرزمین بیارن... ازتون سپاسگزارم...

تو روز جهانی کودک، من پیش مهربانانی هستم که جمعی از کودکان تحت پوشش رو به تماشای فیلم شهر موش ها آوردند و

به هر کدام از بچه ها یه ظرف بزرگ پاپ کورن دادن، انگار طعمش با دفعه‌های قبل که خوردم، فرق میکنه... البته بین اینهمه

عشقو لطافت، تک تک لحظه‌ها قشنگ تره...

تو سالن نمایش به صدای خنده‌های شیرین بچه‌ها گوش میدم و در برابر اینهمه بی‌آلایشی شاد و سرمستم...

بعد از تماشای این فیلم که در کنار بچه‌ها لذت بخش تر بود، یه عکس خوشگل و بیاد موندنی انداختیم... همه چی عالی بود...

من یقین دارم که خدا چشمانش بازست و نگاه می‌کند...

آرزوی زیارت امام رضا (ع)



بارون رحمت خداوند همیشه می‌باره؛ تقصیر ماست که کاسه‌هامونو بر عکس گرفته‌ایم! این جواب یکی از مددکاران رایحه به زنی سالخورده بود که سالای زیادیو با یه شوهر زمین‌گیر و کودکان تشنه‌ی محبت الطاف دست نیافتنی گذرانده بود که با مشقت فراوان و کمکای از این سو و اون سو، حالا

جوونای برومندی رو تحویل جامعه‌ای می‌داد که باهاش خیلی مهربون نبود، از خطوط چهره‌اش به خوبی مشخص بود که دریای طوفانی زندگیش ناخدای لایقی داشته و باور داشت سختیا تموم میشه... اکنون او در حال بازنشستگیست و تنها آرزوی بردل مانده‌اش رفتن به مشهد مقدسه ...

مددکارش "یوسف نواز" جلوی او ایستاده و نوید رفتن به مسافرتیو بهش می‌داد که همیشه آرزوشو داشت، اشک تو چشمای پر مهر و خستش حلقه زد، محکم مددکارشو بغل گرفتو بوسه بارونش کرد، مانند بیماری که شفا گرفته باشه سر از پا نمی‌شناخت و شکرگزار بود... حتی فراموش کرده بود مددکارو به داخل خونه دعوت کنه، دیوونه وار می‌خندید و به سوی اتاق دوید تا

خبر خوشو به شوهر زمین‌گیرش بده؛ مددکار تو این فکر بود که کاش می‌شد این بوسه‌ها رو قاب گرفت و مثل گل تقسیم و تقدیم به همه حامیان کرد در همین افکار بود که زن به حیاط اومد ازش معذرت خواهی کرد و اونو به داخل خونه دعوت کرد و چنان ازین طرف به اون طرف می‌پرید و اشک و لبخندش درهم آمیخته بود که مددکار توان تماشاشو نداشت ازش خداحافظی کرد و همچنان اشک می‌ریخت... رو به آسمان کرد و گفت: خدایا به خوبان عزت دادی کاش ما هم از خوبان باشیم و بخاطر اینهمه لطفو رحمت الهی نماز شکر بجا آورد و این جمله در ذهنش نقش بست: خداوند گر ز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید دره دیگری....

فروغ هاشمی



ویژہ نامہ قلعہ گنج

قلعه گنج کجاست؟

می‌فهمم از این روستا از مارز، از همه دهستان‌های قلعه گنجی‌ها. از خود قلعه گنج، جنوبی‌ترین بخش کرمان. قلعه گنج؛ نه قلعه دارد، نه گنج. از آن اسم‌های بی‌مسماست! سرزمینی در جنوبی‌ترین ناحیه استان کرمان، بخشی در دشت، بخشی در کوهپایه، با مردمانی که یا کشاورز بوده‌اند یا دامدار و اینک هر دو بیکار. به خاطر خست‌آسمان‌وبی‌تدبیری انسان.

فاصله شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین نقطه شهرستان ۲۳۱ کیلومتر و دارای ۳۱۵ آبادی و روستای دارای سکنه می‌باشند. قلعه گنج دارای دو بخش به نام‌های مرکزی و چاه‌دادخدا و ۵ دهستان است که به ترتیب محرومیت عبارتند از:

- ۱_ مارز (۶۵ آبادی) ۲_ رمشک (۷۶ آبادی)
- ۳_ چاه‌دادخدا (۵۰ آبادی) ۴_ سرخ قلعه (۶۴ آبادی)
- ۵_ قلعه گنج (۶۰ آبادی)

شهر قلعه گنج که مرکز این شهرستان است از بندرعباس دو و نیم ساعت فاصله زمینی دارد و از مرکز استان (شهر کرمان) حدود ۵ ساعت. به همین علت بیشتر نیازهای مردم این شهر که در شهرهای کهنوج و

آفتاب هنوز بالا نیامده که زن چارقد سیاهش را گره می‌زند و با چشمانی که چروک‌های بی‌انصاف سرنوشت ریزشان کرده‌است، بیرون را نگاه می‌کند. از بیرون کپر که رنگ خاکستری خاک را به خود گرفته‌است، باد سرد زوزه‌کشان به داخل می‌دود. بچه‌ها بیدارند. اما کسی حوصله امروز را ندارد، امروزی که مانند دیروز است و شبیه فردا. اینجا نه مدرسه‌ای سرپاست و نه معلمی و کتابی هست. فقر هم که درون کپر بیداد می‌کند و هم بیرون آن. بیمارستان؟ نه خانم جان؛ بیمارستان نداریم. بچه‌ها کجا درس بخوانند؟ زینب جوان است. ۲ پسر و تک‌دانه دخترش را نمی‌تواند جمع و جور کند. اهالی بتوانند شکم خودشان را سیر کنند هنر کرده‌اند. این‌ها را نگاه‌شان می‌گوید. اصلاً لازم نیست روبه‌رویم بنشینند و حرف بزنند. اینجا همه چیز فقر را فریاد می‌زند. فریادی که پشت دستان ترک خورده و پینه‌بسته پیرمرد کپرساز پنهان شده‌است.

«چقدر سیاه می‌نویسی؟» خودم را می‌گویم، منی که نشسته‌ام در پایتخت و خوش‌نشینم و مانده‌ام وعده شام نخورم تا مثلاً تناسب اندامم بیاید سرجایش، چه



خداست. دهستانی با روستاهای پراکنده که در دامنه‌های شمالی رشته کوه‌هایی که جنوبشان مشرف بر دریای عمان است. مرکز این دهستان، روستایی است به نام راین قلعه. همان جایی که در این سال‌ها مرکز فعالیت‌های رایحه و حامیان نیکوکار آن بوده است. راین قلعه آب و هوای معتدل تری دارد. شهرستان قلعه گنج به طور کلی آب و هوای گرم و نیمه مرطوب دارد. در گرمای هوا که در تابستان بالای ۵۰ درجه هم می‌رود حرفی نیست، ولی رطوبتش نه مثل بندرعباس و حاشیه دریا آزاردهنده است و نه به خشکی کرمان و یزد و کویر مرکزی.

روزگاری، جازموریان آبادی این منطقه بود. جاز اینک خشک شده است، شاید به خاطر سدهای بالادست. خشکسالی‌های حدود ۱۰ ساله اخیر، چه علت خشکی جازموریان باشد چه معلول آن، لطافت اندک آب و هوای منطقه را هم گرفته است. بسیاری از مناطق این شهرستان اینک از بی آبی شدید رنج می‌برند. باغات مرکبات و نخلستان‌های بسیاری خشک شده اند و مردمان بسیاری بیکار، حتی آب آشامیدنی در برخی

جیرفت یافت نشود، از بندرعباس تامین می‌شود. از بندرعباس که به سمت قلعه گنج می‌رویم، پس از پشت سر گذاشتن رودان و دوراهی میناب و شهر منوجان به یک دوراهی می‌رسیم، سمت چپ که برویم، ظرف ۱۵ دقیقه به شهرستان قلعه گنج می‌رسیم.



اما سمت راست حدود یک ساعتی تا مرکز چاه داد خدا راه هست. چاه داد خدا! اسم با مزه‌ای است. منطقه‌ای در دامنه کوه‌های مارز که آب خوبی دارد. حتی در این سال‌های خشکسالی پیاپی، این منطقه هنوز آب کافی برای زراعت دارد. به حدی که قرار است آب آشامیدنی شهر قلعه گنج هم با احداث یک خط لوله از این منطقه تامین شود.

دهستان مارز، یکی از سه دهستان بخش چاه داد

خیلی‌هایشان است. یارانه؛ اما معلوم نیست که برای این خانواده‌های پرتعداد نعمت است یا بلا! درآمدی بادآورده که با نوع زندگی کم هزینه آنها نسبتا متناسب است؛ اما همت کار کردن را از بسیاری از آنها، و خصوصا مردانشان گرفته است. گاهی کارت یارانه را داده‌اند و موتورسیکلت یا پرایدی گرفته‌اند، بی‌بیمه و



تصدیق رانندگی! تصادف زیادی می‌کنند! که خود و خانواده‌هایی را بدبخت می‌کنند...
 صحنه مردان نشسته بر زانو و دست زیر چانه را فراوان می‌بینید. زندگی‌شان با سوء تغذیه می‌گذرد، اما نه همت کاشتن دارند و نه آگاهی‌اش را که بدانند چگونه به سادگی می‌توانند انواع صیفی جات و... را بکارند و بخورند و سالم‌تر بمانند.



مردمان این دیار فارسی صحبت می‌کنند با گویشی که به بلوچی می‌زند. عموما در کپر زندگی می‌کنند. کپرهايشان در برابر گزش سرمای اندک شب‌های زمستان و گزندگان بیابان ایمن نیست، اما باصفاست. نه فقط باصفا، بلکه برای زندگی خودشان در بیشتر طول سال، مناسب است. دامنه‌های کپر را که در گرما بالا می‌زنند، تهویه مطبوع طبیعی‌اش شما را می‌نوازد، خصوصا اگر با اندکی آب مرطوب هم بشود یک کولر طبیعی خواهید داشت! مردمان روستاها اما مشکلات دیگری دارند که کپرنشینی در برابرشان چندان به چشم نمی‌آید.

هستند روستاهایی که هنوز آب آشامیدنی بهداشتی ندارند. یا برایشان با تانکر هفته‌ای آب می‌آورند، یا از آب غیر بهداشتی جاری در گوشه‌ای از روستا استفاده می‌کنند. نداشتن آب آشامیدنی اما تنها علت سوء تغذیه بسیاری از این مردم نیست؛ غذای مناسب هم نمی‌خورند. غذایشان عموما حاصل مرغی و بزی است که خودشان می‌پروراند و گندمی که کیسه‌ای از شهر می‌خرند و بعد از هدفمندی یارانه‌ها به چند برابر قیمت. هرچند همان یارانه تنها درآمد امروز



بیمار که می‌شوند، دسترسی به درمان مناسب هم ندارند! کل شهرستان قلعه گنج با حدود ۸۰ هزار نفر جمعیت بیمارستان ندارد. بیمارستان نداشتن البته خاص این شهرستان نیست، اما دوری مسافت‌ها که گاهی بیمار باید بیش از ۳۰۰ کیلومتر را طی کند تا به نزدیکترین بیمارستان برسد احتمالاً خاص این شهرستان و یکی دو شهرستان محدود و محروم دیگر در همین اطراف است. درمانگاه و مراکز تشخیصی و زایشگاه و ... هم وضعیت بهتری ندارد. هرچند در سال جاری روزه‌های امیدی در این قسمت پیدا شده و اغلب خانه‌های بهداشت، پزشک عمومی و ماما و داروخانه‌دارند.

مریضی‌هایشان اما بر عکس مریض‌خانه‌هایشان متنوع است: بیماری‌های پوستی، بیماری‌های داخلی، بیماری‌های دهان و دندان، بیماری‌های زنان و ... نارسایی‌هایشان در تن و بدنشان خلاصه نمی‌شود. روح و روحیه‌شان هم رنجور است و گاه بیمار. رخوت و بی‌حالی، خمودگی و دل‌مردگی، نداشتن شور زندگی، نور امید، چشم انداز آینده را در وجود خیلی‌هایشان می‌بینید. فرهنگ طبقاتی هم از گذشته همچنان میانشان باقی است. برایمان نقل می‌کردند که زمانی دولت می‌خواست برق به یک روستا برسد، مخالفت می‌کردند که مسیر برق روستای ما که اربابیم، نباید از روستای غلام‌زادگان رد شود!

مریضی‌هایشان اما بر عکس مریض‌خانه‌هایشان

اطلاعات عمومی شهرستان قلعه گنج
(آمار سال ۱۳۸۵)

شهرستان قلعه گنج



میزان	شاخص
۷۰,۲۹۳	جمعیت (افر)
۱۱,۳	سهم از کل استان
۶,۷	تراکم جمعیت (افر در کیلومترمربع)
۱۷,۲	نرخ شهرنشینی
۹۹,۳	نسبت جنسی
۳,۶	بعد خاوار
۵۸,۱	نرخ بساوندی
۴۲,۰۵	نرخ همدانیت
۸۷,۶	نرخ اشتغال
۱۱,۳۵	نرخ بیکاری
۱۲۵۸	تعداد خانواده‌های گرویش
۸۵۸	سهم خاوار گرویش از کل خاوار شهرستان
۱۳۷۸	افراد تحت پوشش کمیته امداد
-	افراد تحت پوشش بهزیستی

تقسیمات سیاسی و اداری	
میزان	شاخص
۱۰۴۰٫۹۳	مساحت
۵٫۷۱	سهم از استان
۲	تعداد بخش
۱	تعداد شهر
۳۱۲	تعداد روستای دارای سکنه
۱۳۰*	تعداد روستای بالای بیست خانوار

* مأخذ معاونت امار - سال ۸۱

شخص های بخش کشاورزی		
شماره استان	میزان	شخص
۶۹	۲۳۴۰۰	مساحت زیر کشت زراعی (هکتار)
۷۳	۳۵۵۰۰	تولیدات زراعی (تن)
۲۳	۱۱۴۴۱	مساحت زیر کشت باغی (هکتار)
۵۳	۲۶۶۸۳	تولیدات باغی (تن)
۳۸	۲۴۰۲۲۵	مقدار دام (سیگ و سنگ)

میزان برخورداری روستاهای شهرستان از شاخص های آب آشامیدنی، برق، راه، خانه بهداشت و مرکز بهداشتی درمانی روستایی (بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵)

شاخص	درصد برخورداری روستاها
آب آشامیدنی	۱۵,۲
برق روستایی	۵۳,۳
راه روستایی	۸۳,۳
خانه بهداشتی	۱۱,۸
مرکز بهداشتی درمانی روستایی	۲

شاخص های بخش صنعت و معدن

شخص	تعداد	اشتغال
بروانه بهره برداری کارگاه های صنعتی	-	-
بروانه بهره برداری معادن	-	-
معدن شهرک های صنعتی	-	-

مهمترین قابلیت های توسعه شهرستان

- ۱- وجود مزیت نسبی فراوان به ویژه محصولات نظیر خرما، مرکبات و محصولات جانبی
- ۲- رتبه سوم از نظر پرورش شتر
- ۳- برخورداری از پتانسیل فراوان خورشیدی

مهمترین تنگناها و مشکلات توسعه شهرستان

- ۱- بارندگی کم و بارش نامناسب مکانی و زمانی
- ۲- وجود ساختار معیشتی در بخش کشاورزی
- ۳- کمبود شدید خانه های بهداشت
- ۴- سرانه پایین دسترسی به آب آشامیدنی

راهبردهای توسعه شهرستان

- ۱- تعدیل تدریجی شیوه های دانداری متکی بر مرتع با گسترش دامپروری صنعتی متمرکز و نیمه متمرکز
- ۲- ایجاد زمینه مناسب برای افزایش بهره وری عوامل و نهاده های تولید
- ۳- سرمایه گذاری در جمعیت جوان

گزارش فعالیت‌های رایحه و حامیان طی سال‌های گذشته در منطقه قلعه گنج



دبستان در روستای سورتاک در سال ۹۰ توسط حاج آقا رضابیک تأمین اعتبار شد. حمایت تحصیلی، ارسال کتب کمک‌آموزشی، هماهنگی در اعزام معلمان خوب به منطقه جهت برگزاری کلاس‌های فوق برنامه برای دانش‌آموزان و کلاس‌های آموزشی برای معلمان؛ راه‌اندازی مرکز آزمون قلم‌چی و بنای تعدادی کتابخانه‌ی عمومی از جمله این فعالیت‌ها بود.

مهم‌ترین پروژه‌ی رایحه در قلعه گنج، یک مجتمع راهنمایی و

بنیاد نیکوکاری رایحه از سال ۸۹ به واسطه‌ی خانم مهرایی با قلعه گنج آشنا شد که بنا به وصیت خواهر مرحومشان در پی یافتن محروم‌ترین نقطه‌ی ایران بود تا مدرسه‌ای بنا کند. حاصل این جست‌وجو، یافتن روستای راین قلعه بود که مدرسه‌ی راهنمایی شبانه‌روزی دخترانه‌ای در آن احداث گردید.

فعالیت‌های بنیاد رایحه چه در تهران و چه در قلعه گنج با محوریت تحصیل دانش‌آموزان دنبال می‌شود، احداث یک



دبیرستان دخترانه‌ی شبانه‌روزی در شهرستان قلعه گنج است، تحصیلات ابتدایی در همه‌ی روستاها البته با تمام مشکلاتش تقریباً برای همه‌ی دانش‌آموزان فراهم شده بود اما تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان به خاطر نبودن مدرسه در روستا از ادامه‌ی تحصیل، باز می‌مانند.

به دلیل پراکندگی و کم‌جمعیتی بسیاری از روستاها، راه‌حل این مشکل، احداث مجتمع‌های شبانه‌روزی در مرکز شهرستان بود.

برای تحقق آن مراکز :
- کارآفرینی و خوداشتغالی زنان عشایر مارز
- کارگاه تولید زیورآلات منوجان
- کارگاه نمد جیرفت
و یک مغازه برای فروش تولیدات آنها در قلعه گنج دائر کرده است.

به همین دلیل رایحه ساخت این مجتمع را که با معماری مناسب اقلیم و بوم این منطقه سازگار است، آغاز کرد. ساختمان آموزشی آن در مهرماه ۹۳ افتتاح شد و حدود ۱۰۰ دانش‌آموز در چهار کلاس پایه‌های هفتم و هشتم تحصیل خود را آغاز کردند.

همچنین آموزش پخت نان به ۴ نفر و بهره‌گیری از این مهارت در نانوائی مارز است.
این امر علاوه بر خودکفایی تأمین نان بهداشتی مجتمع شبانه‌روزی، منجر به خودکفایی کارگران نیز شده است.
از جمله کمبودهای قلعه گنج، نداشتن آب بهداشتی و عدم دسترسی به حمام بود.



است.

احداث یک مرکز اورژانس که در حال حاضر از آن به عنوان درمانگاه هم استفاده می شود.

این اورژانس توسط آقای دکتر سحر خیزان و همچنین امکانات درمانی مانند:

دستگاه آزمایش خون برای پیشگیری از بیماری های مختلف و سهولت دسترسی مردم و جلوگیری از رفت و آمد مکرر آنان به شهرهای اطراف مؤثر است.

همچنین تخت های زایمان نیز در این مدت به مرکز بهداشت این شهرستان اهدا شده است.

راه اندازی درمانگاه چشم پزشکی در شهرستان کهنوج که ۴ شهرستان جنوبی استان کرمان از آن بهره مند هستند که تا قبل از آن درمان ده ها نفر از بیماران صعب العلاج در تهران، یزد، کرمان، بندرعباس و کهنوج انجام می شد. از جمله فعالیت های رفاهی رایحه:



حفر چاه عمیق و آبرسانی به سورتک

رایحه با حمایت شرکت نیک کالا و احداث حفر چاه و آبرسانی به روستای سورتاک این امکان را برای آنان فراهم کرد.

و همچنین با آب رسانی از دهستان مارز توسط لوله ای به طول ۱۸۰۰ متر تا مدرسه ی مارز، مشکلات بخشی از روستا را حل نموده است.

بنیاد نیکو کای رایحه در پی طرح حفر چاه عمیق و با حمایت خیرین به ساخت ۴۳ باب حمام به شکل:

- دو دوش مردانه و زنانه - رختکن با سرویس بهداشتی و تجهیزات جانبی

در کلات، نم گاز، ناهوگان، دوشان، کوچگان، منوجان، سورتک، راین قلعه، رمشک در روستاهای مارز پرداخت.

درمان مردم راین قلعه و مارز نیز از نظر خیرین دور نمانده





دستگاه آزمایش خون اهدا شده به درمانگاه قلعه گنج

توزیع پیوسته ارزاق و سبد کالا در ایام سال بین مردم فقیر و محروم کپرنشین روستاهای مارز می باشد که این سبد شامل: آرد، گوشت، برنج، پوشاک و تأمین بخش عمده ای از نیاز غذای سالانه ی دانش آموزان شبانه روزی مدرسه امام حسین (ع) مجتمع ممتاز قلعه گنج و سایر مدارس شبانه روزی قلعه گنج و بین اهالی نیازمند: کلات، قلعه گنج، سورتک، کلاهن، منوجان می باشد. همچنین توزیع سالانه ۹۰ راس گوسفند، بز و ۲۵۰۰ مرغ بین اهالی کلات تحقق یافته است.

پروژه ها و فعالیت های مستمر و انجام گرفته در منطقه قلعه گنج

عنوان	شرح فعالیت
فعالیت های عمرانی	ساخت مدرسه راهنمایی شبانه روزی دخترانه امام حسین(ع) در روستای راین قلعه مرکز دهستان مارز
	ساخت ساختمان سرایداری مدرسه امام حسین(ع)
	ساخت سردخانه مدرسه شبانه روزی امام حسین(ع)
	ساخت نانوایی دهستان مارز
	احداث چاه عمیق در منطقه مارز و سورتاک و آب رسانی به روستا
	ساخت مدرسه ابتدایی در روستای سورتاک مارز
	ساخت مرکز کارآفرینی زنان روستایی در راین قلعه
	ساخت کتابخانه عمومی در مدرسه سمیه قلعه گنج
	ساخت حمام عمومی در روستاهای کورچکان، درکلات، ناهوگان، نم گاز، دوشن، دردوپن، سرهگ، سیگ و...
	ساخت سرویس حمام و دستشویی در دبیرستان شبانه روزی سمیه قلعه گنج
	ساخت ناهارخوری دبیرستان سمیه قلعه گنج
	ایجاد مرکز خود اشتغالی زنان در جیرفت

عنوان	شرح فعالیت
فعالیت های اشتغال	ایجاد دوره‌های مهارت آموزی مرکز کارآفرینی و اشتغال زنان روستایی مارز
	راه اندازی خیاط خانه جهت اشتغال زنان روستایی در راین قلعه مارز
	راه اندازی مرکز خود اشتغالی زنان در جیرفت (دوخت نمد)
	تأمین مربی و آموزش برای آموزش خیاطی به ۱۵ نفر از زنان مارز
	حمایت مالی از زنان حصیرباف روستاهای مارز و ...
	تأمین مربی سوزن دوزی و آموزش به ۱۰ نفر از زنان مارز تا سطح تولید و فروش
	آموزش پخت نان به ۴ نفر و بهره‌گیری از مهارت آنان در نانوائی مارز
	تأمین مربی تسبیح سازی و آموزش و بهره‌گیری از دانه داز به ۱۰ نفر از مردان منوجان
	توزیع ۷۳۰ رأس بز تالی به افراد نیازمند کار به ارزش حدود ۲ میلیون ریال
	توزیع ۲۵۰۰ عدد مرغ تخمی و گوشتی بین اهالی درکلات
فعالیت های بهداشتی و درمانی	ساخت ساختمان اورژانس ۱۱۵ مارز
	حفر چاه و آبرسانی به مدرسه مارز به طول ۱۸۰۰ متر فاصله
	حفر چاه و آبرسانی به روستای سورتاک و دهستان مارز
	راه اندازی درمانگاه چشم پزشکی در شهرستان کهنوج که ۴ شهرستان جنوبی استان کرمان از آن بهره مند هستند.
	تجهیز درمانگاه مرکزی شهر و خانه‌های بهداشت به دستگاه‌های آزمایش خون و تخت زایمان
	درمان دهها نفر از بیماران صعب العلاج در تهران، یزد، کرمان، بندرعباس و کهنوج
	کمک های نقدی به بیماران تالاسمی و زنان بی سرپرست
	ساخت ۴۳ باب حمام و سرویس بهداشتی در روستاهای مارز و سورتک

عنوان	شرح فعالیت
فعالیت های تغذیه	توزیع گوشت و آرد بین افراد محروم روستاهای مارز
	تأمین بخش عمده ای از نیاز غذای سالانه دانش آموزان شبانه روزی مدرسه امام حسین(ع) و سایر مدارس قلعه گنج
	توزیع برنج، ارزاق و پوشاک بین افراد نیازمند قلعه گنج، منوجان و روستاهای مارز
فعالیت های رفاهی	خرید و نصب موتور برق در مدرسه شبانه روزی
	خرید کلیه اقلام مورد نیاز کلاس های آموزشی مانند میز، نیمکت، تخته و سایر ملزومات اداری
	ساخت و تجهیز نانوائی بهداشتی در روستای راین قلعه
	خرید کلیه ملزومات مورد نیاز مدرسه شبانه روزی
	راه اندازی سایت کامپیوتری مدرسه امام حسین(ع)
	راه اندازی شبکه مخابراتی دهستان مارز
	توزیع لباس، کفش و پتو بین افراد
	ارسال ۱۰۰۰ جلد جزوه آموزش قرآن و نماز
فعالیت های آموزشی	راه اندازی مرکز آزمون کانون فرهنگی آموزش (قلمچی)
	ارسال ۲۵۰۰ جلد کتاب روان شناسی، اعتقادی، اجتماعی، ادبی و تاریخی
	آموزش مربی سوادآموزی به ۱۲ نفر و سوادآموزی مستقیم به ۱۰۰ نفر از زنان مارز
	تجهیز و راه اندازی کتابخانه عمومی دانش آموزی شهر قلعه گنج
	حمایت از ۱۲۰ نفر از دانش آموزان یتیم و بی بضاعت

گزارش احداث اولین مجتمع آموزشی شبانه روزی خیریه در کشور بنام دخترانه ممتاز قلعه گنج مهر ۱۳۹۳ بنیاد نیکوکاری رایحه



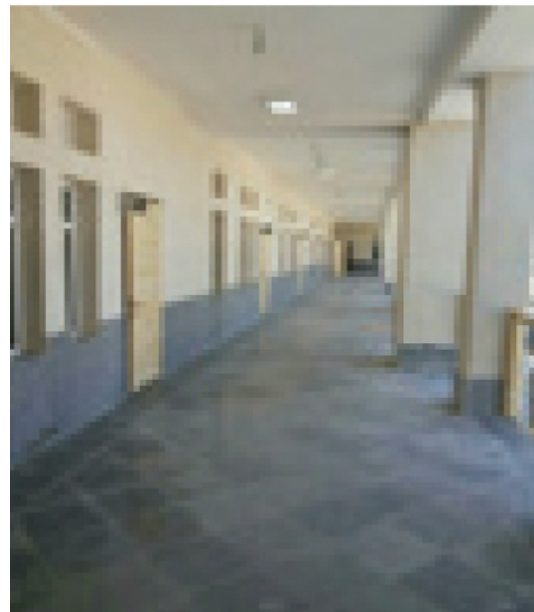
بله دختران روستای قلعه گنج کرمان تنها خاطره‌ای که از روز اول مهر داشتند به همان چند سال اول دوره ابتدایی باز می‌گشت. فقر و محرومیت، کمبود امکانات مالی در این روستا آنان را از ادامه تحصیل باز می‌داشت. از طرفی هم نبود فرهنگ مناسب در این روستا تحصیل دختران را بار مالی تلقی می‌کند و برای کاهش این بار مالی برای‌شان همسرانتخاب می‌کردند. مادران امروز روستای قلعه گنج همان دخترانی بودند که از آرزوهای خود چشم پوشی کردند و اکنون هم همین راه را برای دختران خود انتخاب می‌کنند. اما دختران امروز این روستا آرزوهایی فراتر از دیروز دارند و هر لحظه برای تحقق

همه ما آدم‌ها روزهایی در زندگیمان هست که هیچ وقت فراموش نمی‌کنیم یکی از روزها که همه ما تا سالیان سال در خاطرمون می‌ماند اولین روز پاییز است. بچه‌های روستا هر سال بعد از کلی کار زمانیکه به پایان فصل تابستان نزدیک می‌شدند شور و شوق خاصی در دلشان موج می‌زد. همه در هیاهوی جلد کردن کتاب و آماده شدن برای رفتن به کلاسی بالاتر بودند. بعضی‌ها اول ابتدایی و بعضی پسرهای روستا دوره جدیدی از مقطع تحصیلی را آغاز می‌کردند اما دخترانی بودند که با نگاه حسرت آمیز محصلان را بدرقه می‌کردند.

رویاهایشان چشم انتظار هستند.

با توجه به افزایش روز افزون تکنولوژی و نیاز جامعه اعم از دختران و پسران به فراگیری علم و دانش، بنیاد خیریه رایحه برای اینکه رویای دختران این روستا را به سرانجام برساند، اقدام به احداث مجتمع آموزشی شبانه روزی کرد؛ تا دختران روستایی که وضعیت مطلوبی را برای درس خواندن نداشتند در این مدرسه به تحصیل مشغول شوند تا برای فرزندان خود از به ثمر رسیدن آرزوهای خود بگویند که روزی.....

۱. ضرورت احداث



بررسی وضعیت جمعیتی دانش آموزان این منطقه و پراکندگی آنها و امکانات موجود و کیفیت آموزش، واقعیات ذیل را در حوزه آموزش در شهرستان قلعه گنج عیان می کند:

۱-۱ کمبود سرانه آموزشی

از کپری بودن بسیاری از دبستان های روستایی که بگذریم، تقریباً در این مقطع بازماندگی از تحصیل وجود ندارد، اما به مقاطع راهنمایی و دبیرستان که می رسیم، بنابر آمار آموزش و پرورش شهرستان، تقریباً نیمی از دانش آموزان از ادامه تحصیل در راهنمایی باز می مانند که عمده ترین علت آن کمبود فضای آموزشی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان است.

۱-۲ پایین بودن کیفیت آموزش

دبیران آموزش و پرورش در این منطقه از سطح آموزشی مناسبی برخوردار نیستند و از سایر مناطق کشور و استان به دلیل صعوبت زندگی در این منطقه حاضر به کار در روستاهای این منطقه نیستند. دبیران بومی هم عموماً در حداقل های کیفی مشغول به تدریس هستند.

۱-۳ محرومیت دانش آموزان از امکانات اولیه زندگی

بسیاری از دانش آموزان این منطقه، از حداقل های زندگی مانند: خوراک و پوشاک محروم هستند، با این وضعیت نمی توان از آنها انتظار درس خواندن مطلوب داشت.

۱-۴ کمبود امکانات آموزشی

مدارس موجود این شهرستان از فقر شدید امکانات آموزشی و کمک آموزشی رنج می برند. امکانات اولیه در حد میز و نیمکت



۲-۳ از طریق این پایگاه، با ارزیابی دقیق وضعیت دانش‌آموزان مستعد و نیازمند سایر مدارس (در قالب برنامه‌های مختلف مانند مسابقات و آزمون‌های آموزشی و کلاس‌های کمک آموزشی و ...)، نسبت به حمایت از آنان اقدام خواهد شد. توضیحات:

* مجتمع در مقاطع راهنمایی و دبیرستان (متوسطه اول و دوم) خواهد بود تا به کاهش بازماندگی از تحصیل در این مقاطع کمک کند.

نیز به سختی در همه مدارس یافت می‌شود، چه برسد به کتابخانه، کتاب و سایر اقلام کمک آموزشی، وسایل اولیه ورزش و ...

۱-۵ ضعف بنیادین آموزش و پرورش شهرستان در ارتقای کیفی سطح آموزش اداره آموزش و پرورش شهرستان هم برای رسیدگی به تعداد حدود ۱۵ هزار دانش‌آموز این شهرستان از ضعف‌های بنیادین مانند نیروی انسانی، منابع مالی، دسترسی و ارتباطات با مرکز، امکانات لجستیک و پشتیبانی و ... رنج می‌برد.

۲. راهکار

مدرسه‌سازی به عنوان یک مأموریت محوری برای فعالیت‌های محرومیت‌زدایی، برنامه‌ای زیربنایی است که می‌تواند به عنوان اثرگذارترین عامل در بلندمدت ارزیابی شود.

برای پاسخ به ضرورت‌های فوق، ایجاد پایگاه آموزشی در منطقه در قالب یک مدرسه غیرانتفاعی که از این طریق اهداف ذیل حاصل شود در دستور کار قرار گرفت:

۲-۱ تعداد ۳۶۰ دانش‌آموز برتر منطقه تحت پوشش مستقیم آموزش کیفی قرار می‌گیرند که در آن هر ۵ مشکل پیش گفته حل می‌شود.

۲-۲ از طریق این پایگاه، به ارتقای سطح آموزش دبیران منطقه در قالب کلاس‌های آموزشی حضوری و غیرحضوری ضمن خدمت و تامین منابع مطالعاتی اقدام خواهد شد.

* مجتمع شبانه روزی خواهد بود، تا دانش‌آموزان روستاهای پراکنده اطراف که در روستایشان امکان تحصیل ندارند بتوانند در این مدرسه به تحصیل مشغول شوند.

* مجتمع در مرکز شهرستان قلعه گنج واقع شده است؛ چرا که جمعیت روستاها در حال کاهش و جمعیت شهر در حال افزایش است و سرمایه گذاری در روستاهای در شرف خالی شدن، منطقی نیست. حتی در حال حاضر هم جمعیت دانش‌آموزان متوسطه هیچ یک از روستاها در حد یک مدرسه نیست.

* مجتمع دخترانه است، چرا که اولاً نرخ بازماندگی از تحصیل دختران بالاتر است و ثانیاً در نگاه بنیادین، نقش دختران در توسعه فرهنگی آینده منطقه موثرتر ارزیابی می‌شود، ثالثاً رایحه در سال گذشته دبیرستان پسرانه شبانه روزی علامه حلی را با هزینه‌ای بالغ بر ۱۵۰ میلیون تومان بازسازی اساسی کرده است که باعث ارتقای ظرفیت و کیفیت این مدرسه پسرانه شده است. * مجتمع به صورت غیر انتفاعی با کمک خیرین و بدون دریافت شهریه از دانش‌آموزان محروم اداره خواهد شد، چرا که آموزش و پرورش نه توان مالی اداره مدرسه را دارد، نه توان مدیریتی آن را، هم اکنون نیز امکان تامین سرانه غذای دانش‌آموزان مدارس شبانه روزی موجود در حد نان و پنیر را ندارد و خیرین بخش زیادی از این هزینه را تامین می‌کنند. ضعف مدیریتی و کیفی سطح آموزش هم قبلاً بیان شد. علاوه بر این، اداره این مجتمع، امکان اثرگذاری بیشتری را در منطقه برای آنان فراهم می‌کند که در بخش بعد شرح داده خواهد شد.

* مجتمع، مرکزی خواهد بود برای ارائه خدمات کمک آموزشی به سایر دانش‌آموزان منطقه. کلاس‌های فوق برنامه، آزمون‌های آزمایشی و ... را می‌توان در این مجتمع برنامه‌ریزی و از این طریق به دانش‌آموزان سایر مدارس محروم خدمت رسانی کرد.

* مجتمع به واسطه اقدامات بند قبل، ارتباط موثری با دانش‌آموزان سایر مدارس خواهد داشت و از این طریق خواهد توانست با تحت پوشش گرفتن دانش‌آموزان مستعد سایر مدارس، خدمات حمایتی - آموزشی خود را به آنان و خانواده‌هایشان ارائه نماید. این توضیح ضروری است که در حال حاضر خدمات نیکوکاران در این منطقه، به دلیل ضعف حضور و نظارت مستقیم آنان در مرحله اول منجر به انتخاب مناسب دانش‌آموزان مستعد و در مرحله بعد پیشرفت مناسب تحصیلی آنان نمی‌شود که با وجود این مجتمع به عنوان پایگاهی که ارتباط سازمان یافته‌تری با آنان برقرار می‌کند، این ضعف عمده جبران و اثربخشی کمک‌های نیکوکاران محترم در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تحت پوشش آنان افزایش خواهد یافت.

* مجتمع، مرکزی خواهد بود برای ارائه خدمات آموزشی به دبیران و سایر فرهنگیان شهرستان و از این طریق به ضرورت بالا بردن سطح کیفی آموزش در سطح شهرستان یاری خواهد رساند.

* مجتمع از طریق نیکوکاران خود، حداقل‌های زندگی دانش‌آموزان تحت پوشش خود و خانواده‌های آنان را تامین کرده و از این طریق به تحصیل بهتر آنان مدد برساند.

حرفه‌ای را در اختیار رایحه خواهد گذاشت. با توجه به نقشی که داشتن مهارت‌های شغلی مناسب در عدم اشتغال به کار اهالی این منطقه دارد و از سوی دیگر نیاز این شهرستان به مشاغل مهارتی (مانند مکانیکی اتومبیل، نجاری، خیاطی، آرایشگری، حسابداری، کامپیوتر و از این قبیل) در کنار امکان رایحه برای تامین سرمایه‌های محدود برای راه اندازی مشاغل خرد، به خوبی امکان اثربخشی آموزش‌های مهارتی را فراهم می‌سازد.

۳-۳ فرهنگ مطالعه و یادگیری در کتابخانه عمومی:

کتابخانه عمومی فعال و دارای برنامه‌های متنوع جزو کم هزینه‌ترین اقدامات فرهنگی موثر است. وجود یک کتابخانه مناسب در مجتمع آموزشی جزو ضروریات است، اما چرا این کتابخانه منحصر به تعداد محدودی دانش‌آموز این مجتمع باشد؟ اغلب مدارس موجود در منطقه از داشتن کتابخانه محرومند و منابع مطالعاتی لازم را نمی‌توانند در اختیار دانش‌آموزان خود قرار دهند. درصد قابل توجهی از دانش‌آموزان این منطقه، فضای لازم و کافی برای مطالعه را در منزل و محل سکونت خود ندارند. با این وضعیت، بدیهی است سایر اقشار باسواد شهرستان نیز از دسترسی به منابع مطالعاتی محروم هستند. همه این عوامل، ضرورت احداث کتابخانه عمومی و تامین امکانات لازم از جمله منابع مکتوب و حتی الکترونیکی را روشن می‌کند. رایحه در نظر دارد کتابخانه مجتمع را در محور جنوبی زمین احداث کند، به نحوی که امکان دسترسی به آن از خیابان جنوبی مجتمع برای همه اهالی شهرستان و دانش‌آموزان سایر مدارس فراهم

۳. دستاوردهای جنبی (توسعه فرهنگی - اجتماعی)

هرچند در منظر رایحه، آموزش دانش‌آموزان مهمترین رکن توسعه است، اما سایر جنبه‌های توسعه را هیچگاه از یاد نبرده و همواره به اندازه توان خود در ایفای نقش موثر در سایر جنبه‌های فرهنگی اجتماعی در این منطقه تلاش کرده است. روشن است که ایجاد یک مجتمع آموزشی در شهرستان قلعه گنج، علاوه بر دستاوردهای پیش گفته، می‌تواند محمل بسیار مناسبی برای جنبه‌های دیگری از اقدامات زیربنایی رایحه باشد که عدم استفاده از آن، به واقع اتلاف منابع و سرمایه‌های به کار رفته در این مجتمع است. از این رو، در همه برنامه ریزی‌ها و طراحی‌های انجام شده تاکنون، امکان استفاده چند منظوره از امکانات ایجاد شده در این مجتمع مد نظر بوده است.

۳-۱ مهارت‌های زندگی:

مجتمع آموزشی با ۳۶۰ دانش‌آموز، به طور مستقیم با بیش از ۷۰۰ بزرگسال (اولیای دانش‌آموزان) سر و کار خواهد داشت که مهارت‌های آنان در زندگی، روی رشد و تربیت دانش‌آموزان مدرسه موثر است. روشن است که استفاده از این امکان برای آموزش مهارت‌های زندگی به افراد در مراحل بعدی، می‌تواند عمومیت بیشتری پیدا کرده و به سایر شهروندان هم تسری یابد، از برنامه‌های رایحه در اداره مجتمع آموزشی خواهد بود.

۳-۲ مهارت‌های شغلی و کارآموزی (فنی و حرفه‌ای):

فضای مناسب آموزشی مجتمع امکان ارائه آموزش‌های فنی و

باشد. همچنین با طراحی دو سالن مطالعه مجزا و دسترسی‌های مناسب، پیش بینی استفاده همزمان خانم‌ها و آقایان از فضای مطالعه و منابع مطالعاتی کتابخانه و سایر امکانات آن صورت گرفته است. همچنین برای فعال کردن کتابخانه به نحوی که جذابیت و انگیزه لازم را برای جذب و فعالیت دانش‌آموزان و شهروندان در محیط کتابخانه فراهم آورد برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته است. به هر ترتیب، ایجاد کتابخانه عمومی در مجتمع آموزشی، از دستاوردهای فرهنگی جنبی این مجتمع در فرهنگ عمومی شهرستان است.

۴. مشخصات پروژه

زمین انتخاب شده برای احداث پروژه، در بلوار آزادگان (جاده حسین آباد)، در نزدیکی میدان مرکزی شهر واقع شده تا دسترسی عمومی به این محل حتی‌المقدور به سهولت انجام شود. زمین این مجتمع به مساحت ۱۲ هزار مترمربع توسط یکی از اهالی نیکوکار در اختیار قرار گرفته است. طراحی مجتمع شامل سه ساختمان اصلی آموزشی، خوابگاهی و فرهنگی (کتابخانه عمومی، سالن اجتماعات شهر و کارگاه‌های آموزشی)

پیش‌بینی شده است که به همین اولویت در دستور ساخت قرار خواهد گرفت. سرویس بهداشتی، حمام، آشپزخانه و غذاخوری و اقامتگاه مهمانان نیز پیش‌بینی شده است.

۴-۱ ساختمان آموزشی: این ساختمان در دو طبقه با مساحت حدود ۲۱۰۰ مترمربع شامل ۱۲ کلاس درس با ظرفیت ۳۶۰ نفر طراحی شد و عملیات ساخت آن از مهر ۹۱ شروع و تا مهر ۹۲ طبقه اول آن و از دی ۹۲ (تامین منابع جدید) تا مهر ۹۳ طبقه دوم آن به اتمام رسید.

۴-۲ ساختمان خوابگاه: مطابق ضوابط سازمان نوسازی مدارس، در مدارس شبانه روزی می‌بایست سرانه ۱۰ متر مربع به ازای هر نفر فضای خوابگاهی در نظر گرفته شود که با احتساب ۶۰ درصد ظرفیت مجتمع (حدود ۲۲۰ نفر)، ساختمان دو طبقه دیگری در ضلع شمالی زمین با مساحت حدود ۲۲۰۰ متر مربع طراحی شده است.

متأسفانه در حال حاضر به جهت اتمام منابع مالی، مجتمع فاقد خوابگاه است و به منظور تامین موقت خوابگاه برای دانش‌آموزان از کلاس‌ها استفاده می‌شود که با توجه به افزایش شصت



ملاحظه می‌شود. بدیهی است در محل قرار گیری ساختمان‌های جنبی و جزئیات طرح می‌توان متناسب با نیازها و نظرات حامیان تغییراتی اعمال کرد.

۵. وضعیت فعلی پروژه (دی ماه ۹۳)

ساخت ساختمان آموزشی از مهرماه ۹۱ آغاز شد. در ابتدا با توجه به محدودیت منابع مالی، ساخت طبقه اول این ساختمان جهت بهره برداری از ۶ کلاس درس در مهرماه ۹۲ آغاز گردید که این طبقه با حدود یک و نیم ماه تاخیر، در شرف بهره‌برداری بود. به همین منظور حدود ۶۰ دانش‌آموز در پایه اول متوسطه اول ثبت نام و در مدرسه سمیه به طور موقت مشغول به تحصیل شدند تا از نیمه آبان به این ساختمان منتقل شوند؛ اما در پی مذاکراتی که از میانه تابستان با تعدادی از حامیان محترم رایحه صورت گرفت، در مهر ماه ساخت طبقه دوم نیز در دستور کار قرار گرفت. به همین منظور مقرر شد تا زمان اتمام اسکلت و دیوارچینی طبقه دوم جهت حفظ ایمنی دانش‌آموزان و جلوگیری از برخی هزینه‌های مجدد ناشی از خسارات احتمالی ناشی از کارگاه طبقه فوقانی به طبقه زیرین، اتمام طبقه نخست و انتقال دانش‌آموزان به این مجتمع متوقف شود. این مجتمع آموزشی اول مهر امسال در مراسمی با حضور معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده و مدیر کل آموزش و پرورش استان کرمان به بهره‌برداری رسید. با توجه به اینکه امسال نزدیک به ۵۰ دانش‌آموز به طور شبانه

در معماری مجتمع نکات ذیل مد نظر قرار گرفته است:

- ۱ - ساختمان با اقلیم منطقه (گرم و نیمه مرطوب)، انطباق کامل داشته باشد. به این منظور می‌بایست فضاهای سایه‌دار و دارای کوران هوا داشته باشد.
- ۲ - از جهت سبک، ماندگار باشد.
- ۳ - طراحی مدرسه، ساده و خوانا و دارای حداقل پیچیدگی باشد.
- ۴ - حتی الامکان برای سرمایه‌ش، نیاز به تاسیسات مکانیکی نداشته باشد.
- ۵ - طراحی مدرسه در عین سادگی، در ذهن بماند.
- ۶ - حداقل فضاهای اداری و حداکثر فضاهای آموزشی را داشته باشد.

درصدی محصلان در سال آتی عملاً این شیوه‌ی تامین امکان پذیر نخواهد بود و منجر به مشکلات بسیار خواهد بود.

۳-۴ ساختمان فرهنگی: با عنایت به توضیحات پیش گفته، این ساختمان شامل یک کتابخانه عمومی با زیربنای حدود ۴۸۰ مترمربع، یک سالن اجتماعات با ظرفیت حدود ۲۸۰ نفر و زیربنای حدود ۴۸۰ مترمربع و یک سرسرای ورودی اصلی کل مجتمع آموزشی به مساحت حدود ۲۶۰ مترمربع طراحی شده است.

۴-۴ تاسیسات جنبی: شامل سرویس بهداشتی، حمام، غذاخوری (به همراه آشپزخانه، سردخانه و انبار مواد غذایی)، سرایداری، اقامتگاه دبیران و مهمانان، زمین‌های ورزشی و محوطه سازی، نانوایی و فضاهای تجاری..

وضعیت چیدمان ساختمان‌ها در سایت کلی در صفحه بعد



سایت پلان

به طور موقت در مدرسه سمیه تحصیل کردند. همچنین از این تعداد حدود ۴۵ دانش آموز از روستاهای دوردست هستند که به طور شبانه روزی در مدرسه اقامت و تحصیل می کنند.

اداره مدرسه به صورت غیر انتفاعی خیریه صورت می گیرد. با مذاکراتی که با اداره کل آموزش و پرورش استان و ستاد وزارت خانه در تهران صورت گرفت، حدود ۷۰ درصد کادر آموزشی توسط آموزش و پرورش مامور به خدمت شده اند. تامین هزینه های مابقی نیروها به اضافه نیروهای خدماتی، اداری، نگهداری، آشپز و غیره به اضافه هزینه های تغذیه دانش آموزان شبانه روزی توسط حامیان نیکوکار مجتمع انجام می پذیرد و

روزی در مدرسه اقامت دارند و ساختمان خوابگاه هنوز احداث نشده است، سه اتاق در طبقه همکف برای خوابگاه، یک اتاق برای آشپزخانه و یک اتاق برای غذاخوری تدارک دیده شده است تا به طور موقت پاسخگوی نیاز این دانش آموزان باشد. همچنین در حال حاضر ۶ باب سرویس بهداشتی و ۶ باب حمام در محوطه احداث شده است.

آب مجتمع فعلا از دو طریق تامین می شود: آب شهر که جهت مصارف آشامیدنی و پخت غذا از آن استفاده می شود و به دلیل فشار کم و قطعی در بعضی ساعات روز قابل اتکا نیست؛ و آب قنات جنب مدرسه که با اجازه صاحبان آن، مقدار اندک آب باقی مانده در این قنات برای مصارف شستشو به مجموعه سرویس بهداشتی و حمام های محوطه متصل شده است. راهکار نهایی تامین آب پایدار، احداث چاه آب به عمق حدود ۴۰ متر است که مجوز آن از مراجع مربوطه اخذ شده و در صورت تامین اعتبار نسبت به حفر آن اقدام خواهد شد. حفر این چاه با تاسیسات پمپ و لوله کشی و مخزن و ... در حدود ۲۰ میلیون تومان هزینه در بر خواهد داشت.

۶. وضعیت آموزشی

در سال جاری تعداد ۱۰۰ دانش آموز در ۴ کلاس در پایه های هفتم و هشتم از اول مهرماه تحصیل در این مدرسه را آغاز کردند. قابل ذکر است که دانش آموزان پایه هشتم، همان دانش آموزانی هستند که سال گذشته برای همین مدرسه جذب شده بودند و



اداره امور آموزشی مجتمع نیز تحت نظارت تعدادی از مدیران خبره و با سابقه فرهنگی تهران که به صورت ماهانه با حضور در مجتمع از نزدیک و در فواصل بین سفرها نیز از تهران بر امور آموزشی و کیفیت آن پیگیری دارند، صورت می گیرد. قابل ذکر است که این مجتمع، اولین مجتمع آموزشی غیر انتفاعی شبانه روزی در کشور است که با پیگیری های فراوان صورت گرفته و با مجوز ویژه شورای عالی آموزش و پرورش کشور آغاز به کار کرده است و امید می رود این الگو مورد توجه سایر نهادهای مشابه و مجتمع های آموزشی موفق در تهران و شهرهای بزرگ قرار گیرد.

با توجه به جداول فوق، مشخص است که پروژه علاوه بر ۲۱۱ میلیون تومان قرض الحسنه دریافتی که می بایست تا پایان سال بازپرداخت گردد، ۹۵ میلیون تومان بدهی به عوامل اجرایی دارد که می بایست در اسرع وقت تامین و پرداخت گردد. به این ترتیب کل بدهی پروژه در حدود ۳۰۶ میلیون تومان می باشد.

۷. گزارش مالی پروژه

جدول شماره ۱ : شرح هزینه ها

عنوان	هزینه کل	هزینه هر متر مربع (هزار تومان)
زیربنایی (آب و برق و فاضلاب)	۹۰	-
دیوار کشی (۱۴۵۰ مترمربع با ۴ جفت درب و اتاق نگهبانی و انبار)	۱۰۶	۷۳
ساختمان سرویس و حمام ها (۶۰ مترمربع)	۴۴	۷۲۸
ساختمان آموزشی (۲۱۶۰ مترمربع)	۱۶۷۵	۷۷۵
جمع	۱۹۱۴	-

جدول شماره ۲: تفکیک منبع تامین هزینه‌ها

شرح	مبلغ
هزینه های پرداخت شده از محل کمک های خیرین	۱۵۷۸
هزینه های پرداخت شده از محل قرض الحسنه بازپرداخت نشده	۲۱۱
هزینه های باقی مانده (بدهی پرداخت نشده به عوامل اجرایی)	۱۲۵
جمع	۱۹۱۴

با توجه به جداول فوق، مشخص است که پروژه علاوه بر ۲۱۱ میلیون تومان قرض الحسنه دریافتی که می‌بایست تا پایان سال بازپرداخت گردد، ۹۵ میلیون تومان بدهی به عوامل اجرایی دارد که می‌بایست در اسرع وقت تامین و پرداخت گردد. به این ترتیب کل بدهی پروژه در حدود ۳۰۶ میلیون تومان می‌باشد.

خوابگاه در اولویت اقدام است.

ساختن خوابگاه که با سرانه ۱۰ مترمربع برای هر نفر و با در نظر گرفتن ۲۲۰ نفر (۶۰ درصد ظرفیت مدرسه) پیش‌بینی شده است، در حدود ۲۲۰۰ مترمربع مساحت خواهد داشت که با احتساب هر مترمربع ۱،۱ میلیون تومان هزینه، در حدود ۲،۵ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد.

۸. برنامه آینده؛ ساخت خوابگاه، آشپزخانه، غذاخوری و محوطه سازی

با توجه به ضرورت اسکان شبانه روزی دانش‌آموزان روستاها، همچنین فراهم بودن کلیه مقدمات لازم برای آغاز و پیشبرد عملیات ساختمانی از جمله نقشه‌های اجرایی، تجهیزات کارگاهی و نیروهای اجرایی، آغاز عملیات ساخت ساختمان

در کنار خوابگاه، ساخت آشپزخانه و غذاخوری با مساحت حدود ۲۵۰ مترمربع و اعتبار حدود ۲۵۰ میلیون تومان نیز در اولویت ساخت می‌باشد.

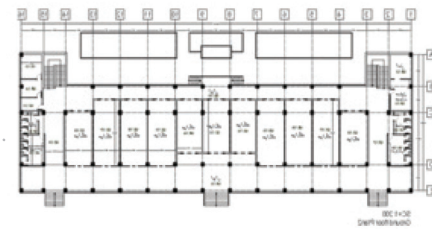
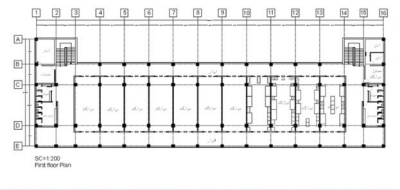
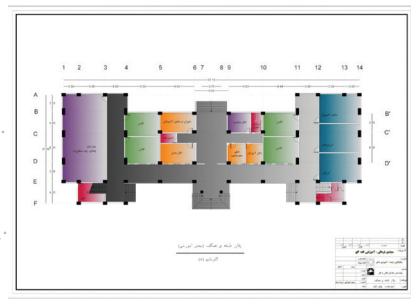
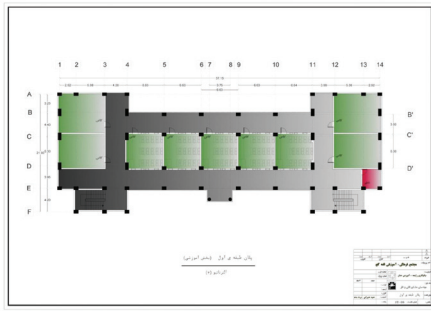
تکمیل محوطه بخش آموزشی و ساخت زمین‌های بازی دانش‌آموزان نیز با اعتباری حدود ۱۰۰ میلیون تومان در انتظار تامین مالی از جانب حامیان نیکوکار این مجتمع است.

گزارش تصویری پیشرفت پروژه مجتمع آموزشی شبانه روزی دخترانه قلعه گنج (۱)



نقشه برداری و تعیین محدوده زمین و برگزاری جلسات
اردیبهشت ۹۱

گزارش تصویری پی



شرفت پروژه (۲)



تجهیز و تکمیل سقف اول و دیوار کشی
مهر و بهمن ۹۱



اجرای ستون ها - اردیبهشت ۹۲

گزارش تصویری پیاپی



روز های منتهی به افتتاح - شهریور ۹۳

شرفت پروژه (۳)



روز های منتهی به افتتاح - شهریور ۹۳

گزارش تصویری پید



افتتاحیه مجتمع آموزشی با حضور معاون رئیس جمهور



وجودتان گل باران که آینده ام را می سازید

بشرفت پروژه (۴)



تو برایم ساختی، من هم میهنم را می سازم

کتابخانه‌ی رایحه در شهرستان «قلعه گنج»

وقتی معلم شعر الفبا را یادمان داد، سرخوش از آنچه یاد گرفتیم، می‌خندیدیم و می‌خواندیم: الف، ب، پ....

ترویج کتاب و کتابخوانی

در قلعه گنج کاخی از فرهنگ به پا شده، کاخی که در مدرسه شبانه‌روزی سمیه واقع شده است؛ بنیاد نیکوکاری رایحه و همراهان همیشگی‌اش که با این محرومیت‌ها آشنایی چندین ساله دارند، در راستای تأمین نیازهایشان تلاش‌های زیادی کردند و برای ایجاد بستری مناسب برای فعالیت‌های مثبت و خلاقانه در زمینه‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی تاکنون اقدامات زیادی انجام دادند. این بار در ساختمان این مدرسه که به همت رایحه‌ای‌ها بازسازی شده است، در بنایی دویست متری شروع به احداث یک کتابخانه‌ی عمومی کرده‌اند.

تسهیلات و خدمات

کتابخانه‌ی آموزشگاهی، واحدی خدماتی در مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه است که به‌منظور حمایت از برنامه‌های آموزشی ایجاد شده و از راه تأمین کتاب‌ها و تسهیلات، پاسخگوی نیازهای آموزشی، اطلاعاتی، تحقیقاتی، فردی است و اوقات فراغت دانش‌آموزان و

می‌دانی و می‌دانم که نمی‌دانستیم، معلم باغی از نور را با سخاوت به ما می‌بخشید و هدف، آبا و باران نبود. هدف با سواد شدن بود و فهمیدن یار مهربان... که نان شب و غذای روح می‌شود و اندیشه‌مان را جلا می‌دهد؛ در روزگاری که کتاب و کتابخواندن دغدغه‌ی کمتر کسی است، انسان‌هایی هستند که به پاس نداشته‌های دیروز به فکر ساختن فردا هستند.

اگر رایحه‌ای باشید لازم نیست بگویم شهرستان «قلعه گنج» کجاست، لازم نیست از این شهرستان و داشته‌ها و نداشته‌هایش حرفی به میان بیاورم. از کاروان قلعه‌ی آرزوها، از تصویر رویاهای کودکان زلالش، از یاسی که به امید رسیده و البته از روزهایی که این همه اشتیاق و انگیزه در چارچوب آنجا و محرومیتش نمی‌گنجید؛ روزهایی که جسارت دیدن نقاشی‌های روی دیوار مدرسه، در بچه‌های شهرستان قلعه گنج نبود.

زمانی تحصیلات مقدماتی برای این بچه‌ها آرزویی دور بود، اما حالا گنج‌های این قلعه، جوانانی مصمم و با انگیزه

معلم‌ان را پر می‌کند و موارد یادگیری را در اشکال مختلف فراهم و دانش‌آموزان و کارکنان را به استفاده از آن تشویق می‌کند. نگهداری کتاب‌ها، گسترش مهارت‌های اطلاعاتی و تشویق به خواندن از دیگر وظایف این واحد است.

هدف رایحه

هدف رایحه از ساخت چنین مرکزی، تحقق اهدافی نظیر: پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی مدرسه و در نتیجه حمایت از برنامه رسمی تحصیلی و رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان است؛ چرا که در گذشته بدون وجود چنین مرکزی در جنوب کرمان، مشکلات و موانع زیادی برای فعالیت‌های تحصیلی و تحقیقی دانش‌آموزان وجود داشت. این مسائل در مرز ورود جوانان این منطقه به دانشگاه و مدارج تحصیلی بالاتر پر رنگ‌تر می‌شد؛ برای همین اجرای این طرح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد.

بهره‌برداری از کتابخانه عمومی رایحه قلعه گنج

کتابخانه عمومی رایحه که نخستین کتابخانه خودگردان شهرستان قلعه گنج در جنوب کرمان می‌باشد با حضور مهندس امیر عنبرانی نماینده بنیاد نیکوکاری رایحه و مسئولین فرهنگی این شهرستان در تاریخ نهم مرداد سال جاری و در ایام عید سعید فطر به بهره‌برداری رسید. کتابخانه دارای امکاناتی از جمله :

* بیش از هفت هزار جلد کتاب دارد.
* سالن مطالعه این کتابخانه هفتاد نفر ظرفیت دارد که از امکانات جانبی خوبی برخوردار است.
* کتب کمک آموزشی برای تقویت منابع مطالعاتی کمک آموزشی دانش‌آموزان قلعه گنج ایجاد شده‌است.
* سایت رایانه این کتابخانه با ظرفیت دارای پانزده نفر می‌باشد.

* این کتابخانه دارای بخش ویژه کودک است.
* بخش ویژه کودک دارای کتاب‌های مناسب این سنین می‌باشد.
* در بخش ویژه کودک تجهیزاتی از جمله بازی‌های فکری تعبیه شده است.

در این مجموعه تاکنون چهار صد و پنجاه میلیون ریال برای ساخت و تجهیز هزینه شده که برای تکمیل آن قطعا نیاز به همکاری ادارات، نهادها و خیرین می‌باشد. در این زمینه، آموزش و پرورش شهرستان قلعه گنج همکاری خوبی داشته است؛ همین‌طور کتابخانه فاطمه‌های دهکده‌ها نیز در مدیریت و اجرای طرح‌های فرهنگی و آموزشی همکاری بسیار قابل توجهی داشته است.

هدف از ایجاد این پایگاه تقویت منابع کمک آموزشی و در گام بعدی پر کردن اوقات فراغت گروه‌های سنی کودک و نوجوان با برنامه‌های فرهنگی است. کتابخانه فاطمه‌های روستای دهکده‌ها مجری برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی متعددی در فصل اوقات فراغت



کودکان و نوجوانان قلعه گنجی می‌باشد که بعضی از
 آن‌ها عبارتند از:
 * سینما رایحه
 * طرح کتابخوانی پرنده‌های کاغذی
 * کارگاه‌های آموزش نقاشی
 * انجمن شعر
 * داستان نویسی
 * کامپیوتر
 * زبان انگلیسی
 * آشنایی با زندگی بزرگان علم و هنر
 امید است که راه اندازی کتابخانه‌های خودجوش این

چنینی در مناطق محرومی مثل قلعه گنج، رایحه‌ای
 باشد از امید و نشاط و بتواند شور و شوق کتابخوانی را در
 بین مردم خونگرم این منطقه خصوصا در بین کودکان و
 نوجوانان بالا برده و سرانه مطالعه بسیار ناچیز این کشور را
 تا حدودی بهبود ببخشند.

تا خود کفایی

به امید خدا و کمک دست‌های مهربان فرشته‌های
 زمینی‌اش روزی خواهد رسید که جوانان شهرستان قلعه
 گنج، خود طلایه‌دار فرهنگ این مملکت شده و آن روز
 حتما رایحه‌ی خوش همدلی در تار و پودشان بیپچد...



حکایت امید

امیدِ امید

من خدایی دارم که هیچ امیدی را ناامید نمی‌کند...
امیدی که شاید تا چند وقت پیش، تنها آرزویش
ایستادن روی پاهاش بود.

نعمتی که ما ساده از کنار آن می‌گذریم و دیگری
آرزویش را دارد...

امید، فرزند سوم خانواده‌ای است که در کپرنشینی
(دورافتاده‌ترین نقطه استان کرمان) زندگی می‌کند.
آنچه برای او نقش پدر را دارد، تنها نمادی از پدر
است که دائم‌الخمر در کپری دیگر در خماری و
بی‌مسئولیتی صبح را به شب می‌رساند و تنها به سیر
کردن شکمش می‌اندیشد.

اما به لطف خداوند امید در دنیا، مادری صبور و تلاشگر
دارد که شاید به ازای معلولیتش به او بخشیده شده
است.

امید، چهار خواهر و سه برادر سالم و درس‌خوان دارد
که یکی از پسرها دانشجوی فوق لیسانس در تهران
است. او روی دستانش راه می‌رود و باهوش و ذکاوتی

عمیق، یار دلسوز مادر است و در فراهم کردن سبزی
خشک و آماده سازی عسل و بافت حصیر و کارهای
دیگر به او کمک می‌کند؛ البته درس خواندن نیز برای
او تفریحی لذت‌بخش است که تعطیلی ندارد. از این رو
مسئولین مدرسه ی شبانه‌روزی قلعه گنج، به او لقب
باهوش بی‌امکانات را داده‌اند و به خاطر هوش سرشار
امید که پشتیبان و پدری دلسوز برای بهره‌گیری از
آن ندارد، افسوس می‌خورند و گاهی قطره‌ای بلوری از
چشمان پرمهرشان جاری می‌شود...

اما دست‌های مهربان به یاری هوش پسرک آمدند و
پای او شدند تا او بتواند از پله‌های ترقی بالا برود و در
آینده دستان پرمحبت مادر را حمایت کند و در جامعه
به فردی لایق و کارآمد تبدیل شود.

دستانی که به کمک پاهای ناتوان او آمده بودند،
خیالشان از بابت هوش بالای او راحت بود و
می‌خواستند بمانند تا پیشرفت روزافزون او را به چشم
بینند و از این شادی پروردگار را شکر گویند که به
دستانشان لیاقت چنین یاری‌ای را بخشیده است.

امید به کمک دست‌های مهربان، تا حدی به آرزویش رسیده است...

او در روستای مارز با خانواده‌اش داخل خانه‌ای کوچک زندگی می‌کند و این روزها می‌تواند روی پاهایش بایستد و راه برود. امید که بر اثر معلولیت مادرزادی، حتی توانایی ایستادن روی پاهایش را نداشت، به کمک دست‌های عزیز، بلند شده و روی پاهایش ایستاده است...

امید چندی پیش تحت عمل جراحی قرار گرفت و تا حدی بهبودی نسبی برایش حاصل شده، اکنون می‌تواند بایستد و حتی چند قدمی راه برود.

حالا می‌تواند با انگیزه بیشتر برای زندگی تلاش کند

و مانند برادران و خواهران سخت‌کوشش راهی بهترین دانشگاه‌ها شود. علم بیاموزد، درس بخواند، بازی کند و موفق باشد.

او زندگی‌اش را مدیون دستان مهربان و رنج‌کشیده مادر حصیربافی است که برای سلامتی و پیشرفت فرزندانش رو به سوی آسمان بلند شده و تنها واسطه این دست‌ها خداوند است.

او با دعای خیر خود، دست‌های یاریگری را که به آن‌ها کمک کرده است به خدای بزرگ می‌سپارد و برایشان بهترین خیر و برکت‌ها را آرزو می‌کند.

آمین یا رب العالمین



توسعه دامپروری

و گوشت استفاده نمایند و تغذیه مناسبی برایشان فراهم کنیم

ازسوی دیگر با نظارت خانم محرابی به زنان عشایر کپر نشین مستعد و پر تلاش، یک رأس بز تالی به عنوان جایزه و پاداش اهدا می‌شد تا بتوانند با پرورش دام به راحتی امراض معاش کنند و این امر تشویقی برای سایر زنان روستا بود تا در راه کسب درآمد کوشا تر باشند و یکی از مهم ترین نگرانی های آنان که تغذیه ی خانواده است، بر طرف شود؛ در این رابطه تعداد ۷۳۰ رأس بز بین زنان روستایی توزیع شد.



در قلعه گنج کرمان به دلیل شرایط آب و هوایی گرم و خشک، بز تالی قابل پرورش است. به همین خاطر در سال ۹۲ به ابتکار بنیاد نیکوکاری رایحه ۶۵ رأس بز تالی تهیه شد و با هماهنگی افراد محلی به دامپروری و اشتغال زایی پرداخت تا مایحتاج نیازمندان را تا حدودی مرتفع سازد.

پس از گذر زمان، به دلیل افتتاح مجتمع آموزشی شبانه روزی برای تهیه ی صبحانه، ناهار و شام دانش آموزان، نیاز به گوشت و شیر بزها محسوس گردید. در نتیجه از سال گذشته تا به حال، دامها به این امر تخصیص داده شدند. البته در دوران خشکسالی و اعلام وضعیت قرمز و بحران آب از این بزها شیری بدست نیامد. همچنین به دلیل سنتی بودن روش دامپروری و نداشتن تجهیزاتی چون آخور و امکانات دامپروری صنعتی و نبودن دکتر دامپزشک تلفات در این دامها زیاد بود.

متأسفانه با نبود ییلاق و قشلاق نمی توان دامپروری را خیلی گسترش داد، اما اکنون تعداد بزها به ۷۰ رأس رسیده است. امیدواریم بتوانیم در عرصه دامپروری نیز به پیشرفت هایی برسیم تا حداقل این دانش آموزان بتوانند در مدرسه از شیر

جرقه‌ی روشنایی و امید

دیگر کمتر شرمنده‌ی بچه‌هایم می‌شوم

از زنان روستای مارز کرمان، تحت آموزش‌هایی از جمله: خیاطی، نمددوزی و چرم‌دوزی قرار گرفتند.

در حین اجرای دوره‌های آموزشی کارگاهی، خیرین نام‌آشنا و همت‌والا به کمک رایحه، مرکز کار آفرینی و اشتغال‌زایی زنان روستایی به متراژ ۳۰ متر در روستای مارز تأسیس کردند؛ بنای محبتی که از سر شکرگزاری خالق یگانه ساخته شده و هر آن نوید دیدار یار را با سربلندی می‌دهد.

علاوه بر آن با ایجاد مرکز خود اشتغالی جیرفت که با دوخت انواع وسایل نمدی، زمینه اشتغال زنان جوان فراهم شده است.

چه زیباست وقتی شمع کوچکی را روشن می‌کنیم تا خانه‌ای روشن گردد و دستان عزیزی در کنار این شمع کوچک گرم شوند، تا فردا دغدغه‌ی درس و مدرسه داشته باشند، نه رنج مادر برای تهیه‌ی شام و ناهار امروز و فرداها...

به راستی همه‌ی انسان‌ها می‌توانند با هدیه‌ی کوچکی رنج‌های مردمان محروم را التیام بخشند و امید را در دل آنها زنده کنند.
با همت و همیاری خیرین بنیاد نیکوکاری رایحه، جمعی





اعم فعالیت‌ها:

دوخت روپوش مدارس منطقه

دوخت انواع کیف‌های چرمی

دوخت انواع کیف‌های نمدی

دوخت لباس‌های محلی

دوخت ملحفه

دوخت هدایای سفارشی شامل: کیف لب‌تاب، رومیزی،

جامدادی، ظرف نان و...

این کارگاه آموزشی با هدف اشتغال‌زایی و محرومیت‌زدایی

تأسیس شده و تا امروز بسیار موفق بوده است.

این کارگاه بنا شده تا بگوید: زنان و مادران سرزمین من

قابل تحسین هستند...

آنهايي که در جنوبی‌ترین نقطه شهرستان کرمان موفق

شده‌اند تا سرنوشت بهتری را برای خود و فرزندانشان

رقم بزنند....

کار آفرینی برای زنان روستاهای شهرستان کهنوج در جنوب کرمان با حمایت رایحه

صنایع دستی بر اساس نیاز بازار "شرکت کردند و بعد از اخذ آموزش‌های لازم با تشکیل کارگاه‌های کوچک صنایع دستی، در منازل خود اقدام به تولید انبوه محصولات حصیری کردند. زنان کارآفرین روستاهای "دهکهان" و "گروه چهار" محصولات حصیری با کیفیت و زیبای خود را با ارائه در نمایشگاه به فروش رساندند.

صنایع دستی از جمله محصولاتی است که نیاز به معرفی شدن در سایر نواحی کشور را دارند. همچنین این کارآفرینان روستایی، برای امرار معاش نیازمند فروش محصولات خود هستند

در روستا کنار همه‌ی زیبایی‌ها و جلوه‌های طبیعت آرامش موج می‌زند؛ آرامشی که در شهرهای امروز نمی‌توان به دست آورد.

در روستا تک‌تک اعضای خانواده با یکدیگر همکاری می‌کنند تا بار زندگی بر دوش دیگری سنگینی نکند، با توجه به اینکه روستاییان هنوز به سنت‌ها و آداب و رسوم پایند هستند، برای به دست آوردن روزیشان به صنایع دستی مرسوم در مناطق خود می‌پردازند تا لقمه‌ی نان حلالی را بر سر سفره‌ی پر مهر و محبت خود بگذارند.

در ۳۵ کیلومتری شمال کرمان به روستاهای کهنوج می‌رسیم؛ شهرستانی که با همه‌ی زیبایی، زنان آن مجبورند برای گذران زندگی، حرفه‌ای برگزینند. از آنجا که این شهرستان شغل مناسب برای زنان منطقه ندارد، غیرت زنان روستایی برای به دست آوردن روزی حلال، آنان را واداشته تا به حرفه‌ی صنایع دستی روی آورند.

۵۰ زن روستایی در کنار خانه‌داری، برای رفع نیازهای ضروری خانواده با شرکت در کارگاه‌های آموزشی "تولید



رود و باری از دوش زنان کارآفرین برداشته شود. این طرح اجتماعی که توسط جوانان بومی منطقه و با حمایت مالی بنیاد نیکوکاری رایحه اجرا شد، پس از مطالعه و تحقیقات مورد نیاز و به منظور توانمندسازی زنان روستاهای "دهکهان" و "گروه چهار" از تیرماه امسال کلید خورد.

به امید موفقیت روز افزون زنان سرزمین من....
فرزاد میرشکاری

به این منظور، کارآفرینان زن این منطقه برای ارائه و فروش محصولاتشان نیازمند برپایی نمایشگاه دائمی در استان کرمان هستند تا علاوه بر معرفی صنایع دستی، مایحتاج روزانه ی خود را نیز از راه فروش آنها به دست آورند. با توجه به نیاز کارآفرینان، سایت اینترنتی به آدرس www.kahnoojhandicraft.ir راه اندازی شده و از طریق آن آخرین محصولات تولید شده به نمایش گذاشته می شوند تا شاید میزان فروش صنایع دستی این روستا بالاتر



قلعه‌ای از جنس یک آرزو:

یادش بخیر چند سالی بود که دیگه رنگی نداشت ...
 کهنه و فرسوده، از گذر زمان ترک خورده بود...
 درست روزی که امیدها ترک خورده بودند و هیچ کس انتظارش را نداشت...
 دستان امیدوار قلب‌های پاک به رویش طرحی از آینده زدند...
 طرحی از امیدهای فردا...
 رنگارنگ...
 پر از شور، پر از نشاط...
 نامش شد قلعه آرزوها...
 حال آن دیوار فرسوده و ترک خورده...
 شده طرح آینده شاگردان مدرسه‌ی روستای مارز...
 هر بار که از کنارش می‌گذرن قدم‌هاشون در راه آرزوهاشون استوارتر می‌شه...
 هرروز...
 هرشب...
 قلم به دست می‌گیرن تا بنویسن از قول و قرارهاشون...
 که هنوز یادشون نرفته که به بچه‌های گروه قول دادن که جراح چشم بشن.
 و چه شیرینه رسیدن نامه‌هاشون که نشان از آینده موفق تک‌تک‌شونه...
 و ای کاش روی هر دیواری که در آنجا امیدی ترک خورده است یک قلعه آرزو و کلی قول و قرار داشتیم...



برایت می نویسم...

من از طرف همه‌ی بچه‌ها از شما می‌خواهیم که باری دیگر به مارز بیایید و نوری دوباره به قلب‌های ما بتابانید بچه‌ها خیلی دلشان برایتان تنگ شده بود.

ما از همه‌ی شما سپاسگزاریم که لطف کردید و به مدرسه ما آمدید و روحیه‌ای دوباره به ما بخشیدید راستی سبزه‌هایتان سبز شده‌اند! پس لطفا از این که وقت شما را هدر کردم من را ببخشید.

ما هیچ وقت شما را فراموش نخواهیم کرد

با تشکر از همگی شما خدانه‌گذار

پس از عرض سلام، اکنون که قلم بدست گرفته‌ام و دارم برای شما نامه می‌نویسم، قلم انگار گنجشکی در قفس می‌تپد و درست مثل اینکه هزاران هزار فرسنگ فاصله که بین ما و شما بود از بین رفته است. الآن شب است و سایر همشاگردی‌هایم پس از کارهای لازم و صرف شام خوابیده‌اند.

(لطفا مرا ببخشید از این که این همه مقدمه چینی می‌کنم و زودتر به اصل مطلب نمی‌پردازم)* از اینکه برای آرزوهای ما وقتی گذاشتید ممنونم.



بسم الله تعالی

پس از عرض سلام، ان شاء الله که قلم بدست گرفته ام و دارم برای شما نامه می نویسم.
قلبم انکار کنش نمی دهد. درست مثل اینکه هزاران هزار
فرشته فاصله که بین ما و شما بود از بین رفته است. الان شب است و سایر
همه شادند و ما هم پس از انجام کارهای لازم و صرف شام خوابیده ایم.

این روز که قلب می گویم که یک دنیا از محبت و مهربانی شما سپاس دارم.
(لطفاً) را بیشتر از این که این همه مقدمه چینی می کنم و بدتر به اصل
مطلب نمی پردازم) * از اینکه برای آرزوهای ما وقتی نخواستید ممنونم.

من از طرف هر یک از شما می خواهم که باری دیگر به ما زبیا بیرونوی
دوباره به قلب های ما بیا بایید. بچه ها غنای نشان برایتان تنگ شده بود.
ما از هر یک شما سپاس داریم که لطف کردید و به مدرسه ما آمدید و روحیه ای
دوباره به ما بخشیدید. راستی سبزه های تان سبز شده اند!

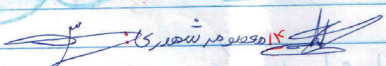
پس لطفاً از این وقت شما را هدر ندهم و می بخشید.

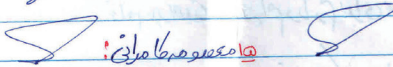
* ما هیچ وقت شما را فراموش نخواهیم کرد *

۱۴۰۲/۰۵/۲۴

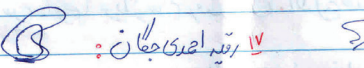
با تشکر از همتی شما

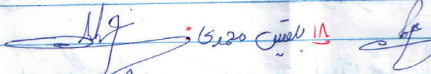
T

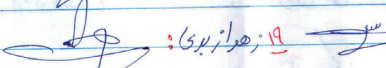
۱. کوثر شهر و ست: ۱۴ موهوم شهره: 

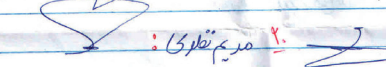
۲. مهرب مازری: ۱۵ موهوم کامران: 

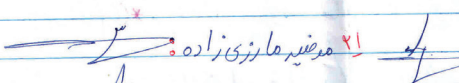
۳. مهرب پیرمادی: ۱۶ صفيه هزاره: 

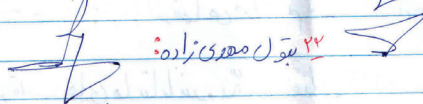
۴. فاطمه مازری: ۱۷ رقيه احمدی جهان: 

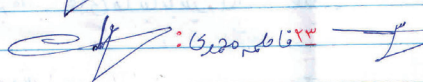
۵. هانیه مازری: ۱۸ بلقيس موهري: 

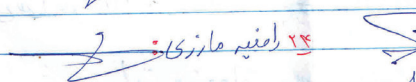
۶. پيريه ناروغي: ۱۹ هزاره بري: 

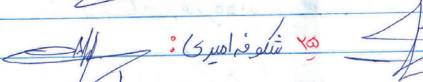
۷. مريم موهري قنار: ۲۰ مريم نظري: 

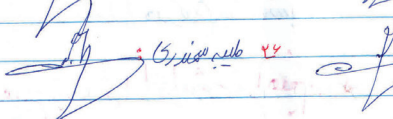
۸. الناز حبيبي: ۲۱ موهوم مازری زاده: 

۹. موهوم شهره و ست: ۲۲ بقول موهري زاده: 

۱۰. فاطمه باغديت: ۲۳ فاطمه موهري: 

۱۱. هديه همام: ۲۴ ارميه مازری: 

۱۲. زينه مازری: ۲۵ شامه موهري: 

۱۳. طيفه بري: ۲۶ طيفه موهري: 

* ايدولام دوباره مازن بيايد.

گفتگو با مریم، دختری که همه اهالی روستا او را به خاطر تلاشی دوست دارند

۹۰ در رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبایی قبول شود. با او در حالی گفتگو کردیم که اولین امتحان ترمش را داده بود و با گرمی و شور خاصی هم صحبت ما شد.

گفتگو با مریم، دختری که همه اهالی روستا او را به خاطر تلاشی دوست دارند

از روستای گلو تا دانشگاه علامه طباطبایی

دانشگاه رفتن و در یکی از بهترین دانشگاه‌های کشور درس خواندن آرزوی خیلی از جوانان هم سن سال توست. خیلی‌ها هم برای رسیدن به این آرزو از وقت و پول و توجه و خلاصه هیچ چیز کم نمی‌گذارند، البته خیلی‌ها هم برای حداقل قبول

مریم اولین دختری است که از روستای گلو در قلعه گنج راهی دانشگاه دولتی در تهران شد. همه می‌دانستند مریم با آن روحیه بالا و عزم و تلاش وصف ناشدنی حتما نتیجه تلاش‌هایش را خواهد دید و مزد زحمت‌هایش را که در مزرعه امید کاشته بود، برداشت می‌کند و همه برای او دعا می‌کردند. به خصوص پدر که دانشگاه رفتن مریم و قبول شدن در یک دانشگاه خوب و رشته خوب آرزویش بود؛ آرزویی که نمادی از همه توانایی‌های او بود که ناتوان مانده و محقق نشده بود. اکنون مریم بر آن بود تا نه آرزوی پدر، که آرزوی یک روستا را برآورده کند. او به اهالی روستای خود نشان داد که اگر فردی بخواهد، می‌تواند. پس تنها باید خواست و در راهی که به هدف ما منتهی می‌شود، قدم برداریم.

مریم متولد سال ۱۳۷۲ از روستای گلو، شهرستان قلعه گنج در استان کرمان است که توانست در کنکور سال



کیلومتر از روستای ما فاصله داشت. اما پیش دانشگاهی را مجبور شدم بروم قلعه گنج. آنجا به مدرسه شبانه روزی رفتم. مدیر مدرسه خانم مرضیه احمدی خیلی مهربان بود و کمکم کرد. خانم محرابی هم که در کار خیّر و مدرسه سازی بود با مسئولان همین موسسه خیریه رایحه خیلی تشویقم می کردند. قوت قلبم بودند و راهنمایی ام کردند.

خیلی درس خواندی تا قبول شدی؟

باید می خواندم تا قبول شوم.

منظورم این است که همیشه سرت توی درس و کتاب بود یا با برنامه ریزی درس خواندی تا توانستی در دانشگاه خوبی قبول شوی؟

نه . آنقدرها هم سرم توی کتاب نبود. به همه چیز می رسیدم. راستش را بخواهید همیشه درسم خوب بود. چون در زمان آموزش خوب گوش می دادم. کلاس کنکور و این طور چیزها هم نرفتم. از تیر ۸۹ به طور جدی درس خواندن برای کنکور را شروع کردم. سال گذشته برای اولین بار که، با تلاش بنیاد نیکوکاری رایحه امکان برگزاری آزمون های کانون فرهنگی آموزش در قلعه گنج فراهم شد، من

توانستم در آزمون های قلم چی شرکت کنم. چون رتبه ام خوب شد به قول معروف جزو افرادی شدم که می توانستم رایگان امتحان بدهم و از جزوه ها استفاده کنم. دوستانی هم از تهران برایم جزوه های تازه و خوب را می آورند. آنقدر به روش خواندنم مطمئن بودم که برای رتبه

شدن در یک رشته دانشگاهی همه کلاس های کنکور را با جزوه ها زیرو می کنند. تو چطور از یک

روستای بی امکانات به این جا رسیدی؟

راستش را بخواهید تلاش و انگیزه برای من همه موانع را حذف کرد. الان که در دانشگاه کنار بقیه دانشجویها می نشینم گاهی اوقات باورم نمی شود.

جایی که خیلی ها آرزویش را دارند. اما این برای من تازه اول راه است . کلی راه نرفته دارم باید بروم.

بیشتر توضیح بده؟ چطوری تک و تنها این راه را پشت سر گذاشتی؟

تک و تنها که نبودم. اگر قرار بود به روستای دورافتاده و بی امکاناتمان نگاه کنم و حسرت نداشته ها را بخورم محال بود بتوانم حتی باسواد هم بشوم.

البته بودند آدم هایی که همیشه دلشان با ما بود مثل خانم محرابی خیّر مهربان، خانم تندگویان و خلاصه همین موسسه خیریه رایحه که امروز مهمان خبرنگارش هستم.

کمی از روستای گلو بگو، امکانات درس خواندن تا چه حد بود؟

روستای گلو در ۳۵ کیلومتری قلعه گنج قرار دارد. روستای ما تا دبستان امکان درس خواندن داشت. بعد برای دوره راهنمایی و دبیرستان رفتم روستای آهوان، ۵

۲ رقیمی درس می خواندم.

رتبه ۲ رقیمی ؟

به سهم خود وظیفه ای داریم. در قلعه گنج مربی خوب برای درس عربی نداریم. اگر هم هست کافی نیست. می خواهم بروم در زمینه رشته ام آنجا کار آموزشی انجام بدهم. البته حتما ادامه تحصیل هم می دهم.

تا به حال به تهران آمده بودی؟

نه. اولین بار بود که به تهران آمدم. برای امتحان به دانشگاهی در جنوب تهران آمده بودم. دانشگاه محل تحصیلم در شمال تهران

است. محله به قول معروف با کلاس. برایم نوع زندگی آدم ها و امکاناتشان جالب بود.

گفتی تنها دختری هستی که در دانشگاه دولتی در

دقیقا. برای آن درس خوانده بودم ولی نزدیک کنکور پدرم که خیلی به او وابسته هستم بیماری سختی گرفت. من به قول معروف خیلی بابایی هستم. توی روحیه ام خیلی تاثیر گذاشت. ولی خب الانم راضی هستم. رشته ام را دوست دارم.

میخواهی ادامه تحصیل بدهی ؟ بعد از اینکه درست تمام شد به روستایت بر می گردی ؟

چرا برنگردم. برای آنجا درس می خوانم. برای اینکه بتوانم برگردم تا کمبودهای آنجا را جبران کنم. ما هر کدام



تهران قبول شدی. خواهر و برادرهایت هم درس خوانده اند؟

خانواده من به درس خواندن اهمیت می دهند. ۳ تا برادر و ۲ خواهر هستیم. برادر بزرگم درسش خوب بود ولی نتوانست ادامه بدهد. خواهرم ازدواج کرد ولی دارد در دانشگاه پیام نور علوم اجتماعی می خواند. برادر کوچکم هم سخت درس می خواند تا در یک دانشگاه خوب در رشته خوب قبول شود.

دوست داری به هم سن و سال هایت چه بگویی ؟ بخصوص آن هایی که چیزی از بی امکاناتی نمی دانند و به بهانه های من درآوردی درس نمی خوانند و موفقیت را دست نیافتنی می دانند؟

از نظر من هر انسانی برای هدفی آفریده شده است.

این هدف را با معنویت و تلاش باید به سرانجام برساند. خودش هم مسئول است و باید راه درست را پیدا کند. اگر امکانات نیست آدم های خوب زیادی هستند که به فکر امثال من هستند. از همه مهم تر خدا هست. همیشه و همه جا.

شنیده ایم که می خواهی با موسسه خیریه رایحه هم همکاری کنی؟

من این موسسه را دوست دارم. می خواهم با آن ها همیشه در ارتباط باشم. همینطور که آنها برای موفقیت من تلاش کردند من هم بتوانم در حد توانم در ارتباط با اهدافشان به آنها کمک کنم.

سهیلا باباجانیپور





خورشید دو ساعتی بود که با گرمای دلچسب و نوازشگر خود که بی دریغ به صورتش می تابید، نوید آمدن روز جدید را می داد.

خواب خواب نبود اما یارای برخاستن از زمین را هم نداشت، ناگهان در این هنگام خراشی تلخ قلبش را سوزاند.

بلند شو دلیل شده لنگ ظهر شد باز صورتت روی این کتابهاست تا کجا می خوای با این ها رویا ببافی مگه هنوز باورت نشده واسه سرنوشت از پیش تعیین شده ات نیازی به این ها نداری؟

عمیق اما بسیار تلخ به صورت مادرش خیره شد و همه ی اون تلخی تو شیارهای پیشونی مادر جا موند یه بوسه ی ظریف رو گونه های مادر زد.

شال گل دارش رو محکم دور گردنش گره زد و دمپایی های قهوه ایش رو پا کرد، از گوشه حیاط ظرف دسته داری رو که هر روز باید می رفت تا پر از آبش کنه و برگرده رو برداشت، نگاهی به آسمون کرد... انگار وعده ای رو تمدید کرد و به راه افتاد.

وقتی در خونه ی کوچیکشون رو باز کرد با سایه ی سنگین پسر همسایه که کارش کشیک دادن جلوی در خونه بود مواجه شد.

قدم هاش رو سریع تر کرد تا هر چه زودتر از نگاهش دور شد.

شرمین ۱۶ ساله یکی دو سالی بود که از قافله ی دخترهای نوجوان روستا جا مونده بود و به جرگه ی مادران جوان محکوم به تکرار نرسیده بود.

راهی رو که میرفت از بحر بود دیگه به قدماش فکر نمی کرد

ولی دنیای رویایش رو هر روز تو ذهن تصویر می کرد، کی قرار بود قصر آرزوهای خاک شده ی تو سینه اش رو بسازه؟؟؟

روحش واسه فضای اون ده زیادی بزرگ بود. اگه تا حالا تو اون شرایط و اون پیشنه ی فرهنگی دووم آورده بود واسه حمایت های پنهان مادرش بود

از همکاراش اسم اونو تو لیست کسایی که می‌خواستن واسه تحصیل تو دبیرستان به مدرسه شهر برن وارد کنه قسم خورد اسمی از خانم کشاورز به میون نیاد، واسه رفتن به مدرسه لازم نبود هزینه‌ای بده حتی هزینه‌ی ثبت نام! آخه جز دانش‌آموزانی بود که با معدل الف دوره‌ی راهنمایی رو تموم کرده‌بود

به خونه رسید، دیر رسید اما رسید.
به سوال‌های آمیخته با فریاد مادر جوابی نداد؛ فقط گفت:
الان خودم همه چیزو مرتب می‌کنم فقط دیگه غرغر کافیه...

روزو با کلی استرس تموم کرد و باز صحنه‌ی کتاب‌های پهن شده روی زمین و چشمای پرسشگرش رو ساخت و مشغول خوندن شد.

ولی امشب شرمین همیشه نبود، به جای کلمات کتاب تصویر خرد شدن استخون‌هاش رو وقتی پدرش از ماجرا با خبر شده‌بود تصور می‌کرد.

زخم زبون‌های مادرش و اگه پسر لالابالی همسایه دیگه خواستگارش باقی نمونه و همین شاهزاده‌ی باقی مونده هم سراغ یک دختر کم سن‌تر بره تو گوشش پرشده‌بود. خورشید شنبه‌ی آخر شهرپور که بالا اومد ... شرمین چشمای بازشو بست و گفت بالاخره صبح شد.

خدایا سر قرارمون هستی دیگه؟؟؟

از پله‌های آهنی اتاقک بالای خونه پایین اومد، مادرش دم

که می‌فهمید شرمین واسه اون حوالی نیست.
کی می‌فهمید گناه شرمین از داشتن پدری که بیشتر روزهای پرتکرار و توی خرابه‌های ده خمار بود یا بوی تند الکل توانش رو واسه استشمام عشقی که تو دل بچه‌هاش بود ازش گرفته بود، اینه که محتاج عشق و عاطفه پدریست.

اما حیف و صد افسوس! تو صورت آغوش گرمش سال‌هاست که بغض تو گلوش خونه کرده‌بود.
آینده‌ی از قبل نقاشی شده‌ی دخترای جوون روستای شرمین، همه‌ی شوقش رو واسه اینکه رو بوم اون نقش متفاوتی شکل بگیره ازش می‌گرفت.

به خودش که اومد کوچه‌ها رو طی کرده‌بود و فقط چند تا خونه با دستگیره در حیاط فاصله داشت ... اما همه‌ی جونش رو جمع کرد و راهشو کج کرد. با ظرف سنگینی که تو دستش بود از زیر نگاه زن‌های همسایه که همیشه با نگاهشون بهش تذکر می‌دادند که اون تافته‌ی جدا بافته‌ای نیست و تو همون ده به رحمت خدا میره... گذشت و نیش و کنایه‌ها رو نشنید

خودشو به خونه‌ی ناظم قدیمی مدرسه رسوند؛ تنها زنی که سواد خواندن و نوشتن داشت...

اون قدر واسه هدفی که براش رفته بود انگیزه‌ی جنگیدن داشت که از التماس کردن ابایی نداشت. به هر زحمتی بود با قسم و آیه از خانم کشاورز خواست تا از طریق یکی

در داشت از پستیچی چیزی تحویل می‌گرفت... وقتی اومد داخل با بی‌توجهی بسته رو کنار گذاشت و گفت بهش می‌گم اشتباه آوردی ما ازین چیزها نداریم به خرجش نرفت مادر بیا این بسته رو بذار کنار شاید برگرده و بفهمه مال کیه که اشتباهی آوردتش اینجا!

لباش از ترس خیس شده بود و نمی‌تونست حرف بزنه... ولی باید حرف میزد خیلی مستاصل گفت: مال خودمونه و سریع پله‌ها رو برگشت بالا...

خورشید که از پنجره‌ی اتاقک بالای خونه خداحافظی کرد، بابای همیشه دور از خونه برگشت. این رعه‌ی تن شرمین رو بیشتر می‌کرد...

درست تو زمانی که تخمینش واسه شرمین سخت نبود ماجرای پاکت پست شده صدای فریاد پدرشو بلند کرد و اون مجبور بود به حیاط خونه بره.

چند دقیقه بعد که به زور التماس و نوازش مادرش از فرط کتک خوردن به هوش اومد و خون لب‌های شکافته شدش و اشکاشو پاک کرد، خودشو به زور به حیاط رسوند.

فکر می‌کرد دیگه جایی تو اون خونه نداره و حتما اگه الان پشت در نیست واسه اینکه منتظر بودن تا به هوش بیاد و فردا برسه، سایه‌ی سنگین پسر همسایه دیگه تنها هدیه‌ی روزش نیست.

این دفعه جور دیگه‌ای باهاش مواجه می‌شد، چون حتما

پدرش واسه گرفتن طلبش از پدر شرمین ناامید شده بود و ممکن بود شرمین واسه تسویه حساب اونها با هم خیلی سند معتبری نباشه...

اما صدای پدرش این دفعه رویای تو ذهنش رو فرو ریخت...

میدونی چقدر سخته هی رفتن و اومدن؟ چقدر خرج داره ؟ از کجا می‌خوای بیاری؟

نمی‌دونست چی بگه و چه عکس‌العملی نشون بده، جدا از امیدی که تو دل نا امیدش جوونه زده بود، پدرش باهاش حرف زد... به هدف برآورده کردن آرزوی دلش، به شرمین فکر کرده بود. حالا دیگه موافقت و مخالفت فرقی نمی‌کرد...

این دفعه رو کتابا شبو صبح نکرد ... دست‌های زخمیشو برای خوب شدن روی دستای سیاه و زخم خورده‌ی پدری گذاشت که هیچ وقت این همه حضور نداشت.



درخت آرزوها

که سال‌های زیادی ست رنج را به بهترین شکل به گنج مبدل کرده‌اند. گنجی با ارزش به نام انسان. آری انسان و خواستن. انسان و توانستن. انسانی که هر روز به پیش رفتن.

درختی را می‌شناسم که حتم دارم تو نیز می‌شناسی....



درختی را می‌شناسم که میوه‌هایش از جنس آرزوست به همان شیرینی و خوش طعمی. درختی که شاخه‌هایش از بهار محبت شکوفه می‌دهد.

در سرزمین این درخت بهار هر سال که نه اما هرروز تکرار می‌شود و در این بهارهای همیشگی شکوفه‌های به بار نشسته میوه می‌دهند و آرزوهای رسیده با دستان باغبانی که خود نیز از جنس بهار است چیده می‌شود.

میوه‌های آرزو رنگین و شیرین رشد می‌کنند و ثمر می‌دهند تا کام‌های تلخ را به شیرینی لذت بخش تبدیل کنند. درختی که دست‌های کوچک نسیم، آرزوها را با امید به شاخه‌هایش گره می‌زند. دستانی که خوب می‌داند در سرزمین بهاری محبت، آنچه فراموش نمی‌شود عشق است و آنچه همیشه می‌ماند درختی است که انس و الفتی دیرینه با مهر دارد.

درختی را می‌شناسم که زیر بار آرزوهای کوچک و بزرگ قد خم می‌کند ولی هرگز نمی‌شکند. ایستاده و می‌ایستد و در انتظار شیرینی، چشم‌هایش را به دستان سبزی می‌دوزد که از راه می‌رسد و لبخند را بر لبانی می‌نشانَد

بازنگزین دراز

به گل نگاه کن. چه بی‌تکلف از میان خاک سر برآورده و زینت‌بخش زمین خاکی شده است. به رنگ‌های بی‌بدیش نگاه کن. چه با سخاوت جعبه‌ی مداد رنگی گلبرگ‌هایش را کنار هم چیده است. به زیبایی چشم نوازش خیره‌شو. اغواگری به غایت استاد که معیار واژه‌ی زیبایی در کره خاکی است.

نوازشش کن. بر گلبرگ‌هایش دست‌بکش، مخمل و حریر رنگ‌رنگ خود را در اختیار تو می‌گذارد. استشمام کن. عطر دل‌انگیز و رایحه‌ی دلنوازش را با تمام وجود استشمام کن.

چه می‌بینی؟ این همه گذشت و بزرگواری تنها از شاخه گلی که امروز هست و فردا شاید به دست باد و یا کودکی شادمان به خاطره‌ای تبدیل شود که هرگز حتی به یاد نماند. اما چه با سخاوت تمام داشته‌هایش را برای لحظه‌ای شادمانی تو بی‌دریغ تقدیم می‌کند. می‌بخشد و می‌گذرد بی‌آنکه در خاطره‌ی رنگارنگش توقعی را کنار گذاشته باشد.

می‌بخشد بی‌آنکه حساب بداند و بفهمد که دو دو تا چهار تا می‌شود. می‌بخشد چرا که رسالتش بخشیدن است.

هر روز در گلدان‌های کوچک و بزرگ در باغچه‌های سرسبز، در حاشیه‌ی خیابان‌ها و میدان‌های شلوغ، در دست‌های کودکانی که از گل برای نان شب سفره‌ای آماده می‌کنند لحظه‌لحظه ایثار می‌بینیم و می‌گذریم و خوش به حال چشمانی که می‌بینند و نمی‌گذرد. می‌بینند و پند می‌گیرد. می‌بینند و می‌خواهد چون گل، عطری باشد بی‌در، که رایحه‌ی حمایتش در سرزمین انسان‌های فراموشکار می‌پیچد و می‌پیچد و می‌پیچد....



باسمه تعالی

فرم حمایت مالی بنیاد نیکوکاری رایحه

بذل درویشان کند نیم دگر

نیم نانی گر خورد مرد خدا

مشخصات فردی	نام:	نام خانوادگی:	نام پدر:
	تاریخ تولد: / / ۱۳	وضعیت تأهل:	تعداد فرزندان:
	تلفن تماس: و	Email:@.....	
	نشانی:		

شیوه همکاری	☐ پرداخت نقدی مبلغ: ریال به صورت آزاد	☐ یک بار	☐ ماهیانه	☐ سه ماه یکبار	☐ سالانه
	☐ حمایت ماهیانه از فرزند با پرداخت مبلغ بین ۳۰ تا ۶۰ هزار تومان	مبلغ هر فرزند:		ریال - تعداد فرزندان: نفر	
	☐ پرداخت کمک هزینه دانشجویی هر ترم حدود ۵۰۰ هزار تومان	تعداد دانشجویان: نفر			
	چنانچه امکان کمک های دیگری غیر از موارد مندرج در جدول پشت برگه مقدور است، ذکر بفرمایند 				

تذکرات:

- لطفاً در پرداخت های مستمر، نیت خود را صرفاً بر امور خیر تخصیص داده و از نیت صدقات واجب و وجوه شرعی نظیر خمس و از این قبیل خودداری نمایید.
- در صورتی که سطر اول جدول فوق را انتخاب کرده اید و تمایل دارید مبلغ پرداخت شده توسط شما در موارد خاصی مصرف شود، خواهشمند است معین فرمایید. بدیهی است در غیراینصورت، مبالغ دریافتی، با توجه به نیازها و تشخیص بنیاد، مصرف می شود.

تاریخ و امضا:

موسسه فرهنگی رایحه فاطمه (س) حامی بنیاد نیکوکاری رایحه برگزار می نماید:

* برگزاری دروس عمومی و مهارتی کار و دانش برای اخذ دیپلم رسمی در رشته های:

۱- گرافیک (کامپیوتر)

۲- مدیریت و برنامه ریزی خانواده

۳- طراحی دو

* آموزش و آزمون کامپیوتر با اخذ مدرک بین المللی از بنیاد ICDL (۷ مهارت و شهروند الکترونیک)

* شروع کار در مهد کودک با گذراندن دوره تربیت مربی و پیش دبستانی به مدت ۴ ماه

طبقه دوم تلفن: ۰۹۳۸۴۶۶۵۳۴۴ ۴۴۶۶۱۵۱۵ داخلی ۱۲